

سوء قصد تروریستی علیه علی جوادی قویاً محکوم است

نه خاموش شد، نه متوقف:

روایت سوء قصد به علی جوادی

بیانیه اتحادیه‌های جهانی برای آتش بس دائمی و پایدار

در یک نگاه

آتش بس و چشم انداز آن

صفحه ۹

رحمان حسین زاده

جنگ، جمهوری اسلامی و مردم در ایران

صفحه ۱۰

سعید یگانه

تنگه هر مز: وقتی جنگ قدرت، زندگی مردم را خفه می کند

صفحه ۱۱

وریا روشنفکر

اطلاعیه های سازمانها و احزاب و

فعالان سیاسی در مورد سوء قصد

علیه علی جوادی

قدر دانی و تشکر

به احزاب، سازمانها، نهادها، رسانه ها،

شخصیتها و فعالین سیاسی در داخل و خارج!

هژیر پلاسچی و

قضیه ترور

کمونیست ها

جاوید حکیمی

پاسخ به نقد رفیق اسد
گلچینی:

«سیاست انقلابی» در

برابر «منطق توجیه ترور»

جلیل رضایی

اطلاعیه کمیته کردستان حزب

در محکومیت حملات

تروریستی جمهوری اسلامی

به اقلیم کردستان و

جان باختن غزال مولایی

۸۵۰
مستقلی کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
Worker-communist Party of Iran -
Hekmatist

۲۹ فروردین ۱۴۰۵ - ۱۸ آوریل ۲۰۲۶

اعلامیه حزب کمونیست کارگری-
حکمتیست بمناسبت اول مه

جهان در دو راهی سوسیالیسم

کارگری یا بربریت سرمایه داری!

دنایای امروز فاقد یک چشم انداز و دورنمای خوشبینانه برای میلیاردها نفوس کره خاکی است. جهان در وضعیت فوق العاده مخاطره آمیز و هولناکی بسر میبرد. کل آن ساختارها، اهرمها و ستونهای که سرمایه داری بعد از جنگ دوم جهانی بر آن بنا شده بودند، بی اعتبار شدند و در حال فروپاشی اند. جنگ و رقابت دولتها و صفی از سیاستمداران فاشیست و دست راستی، کره خاکی را به گروگان گرفته است. بمباران و تروریسم، نسل کشی و تهدید به اِمحای جمعی، تحدید آزادیهای سیاسی و نابودی دستاوردهای نسلهای متمدنی طبقه کارگر به رکن اساسی سیاست بورژوازی و دموکراسی امروز بدل شده است. خطر وقوع جنگهای دهشتناک تر از آنچه تاکنون بشریت اسیر تجربه کرده است، بیش از هر زمانی است. امکان رویارویی آمریکا و روسیه و چین در خاورمیانه، آغاز مجدد جنگ در ایران و منطقه، دورنمای خونین نقشه ضد انسانی "خاورمیانه جدید" مورد ادعای نتانیاهوی فاشیست، گسترش درگیری نظامی در خلیج و دریای سیاه، هر کدام میتواند بعنوان چاشنی جنگ گسترده تر قدرتها و دولتهای درگیر عمل

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



اعلامیه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست بمناسبت اول مه

جهان در دو راهی سوسیالیسم کارگری یا بربریت سرمایه‌داری ...

کند.

تحولات تکنولوژیک و کاریست هوش مصنوعی، نه به رفاه و امکان عمل واقعی بشریت بلکه به ابزار کنترل و ویرانگری و سلطه سیاسی و اقتصادی لایه‌های جدید و بسیار قلیل بورژوازی میلیاردی بدل شده است. در کنار زبان مشترک جناحهای بورژوازی یعنی تحمیل ریاضت اقتصادی و تعرض به حداقل رفاهیات و حقوق طبقه کارگر و پلیسی کردن جوامع و کنترل روزمره شهروندان، قلاده راست افراطی فاشیست را آزاد کرده‌اند تا بتوانند جوامع و صفوف طبقه بورژوازی را مجموعاً به سمت راست‌تر سوق دهند. امروز سرمایه‌داری کمابیش نه فقط حقوق بدیهی‌ای مانند حق سلامتی، حق آموزش و حق مسکن را برای بسیاری مشروط و حتی ناممکن کرده است، بلکه جهان بحران زده را به خروجی‌های هولناک فاشیسم و جنگهای ویرانگر و اتمی تهدید میکند.

نظم کنونی تهدید نابودی جهان را بالای سر بشریت قرار داده است. بار دیگر و بیش از هر زمان در تاریخ سرمایه‌داری معاصر، ضرورت تغییری رادیکال و مبرمیت عروج جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر بعنوان واقعییتی غیرقابل انکار طرح میشود. نظم کنونی از سرمایه‌داری دولتی بلوک شرق سابق و چین و دولتهای رفاه سوسیال دمکراسی تا توحش تمام عیار بازار آزاد و راست جدید و محافظه کار را تجربه کرده است و امروز در متن بن‌بست اقتصادی و رکود و فروپاشی هژمونی، بار دیگر دست بدامن فاشیسم و قلدری نظامی شده است. وقتی بورژوازی قوانین و مناسبات تا دیروز خود را بی‌اعتبار و در شیپور جنگ میدمد، وقتی دمکراسی غربی و پارلمانتاریسم قابله فاشیسم است، آنوقت جهان نیازمند فوری عروج پرولتاریا و موجی از انقلابهای ضد کاپیتالیستی و سوسیالیستی است. هیچ زمان دنیا مانند امروز به کمونیسم، و فقط به کمونیسم، نیاز نداشته است.

در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی و کشورهایی که مشخصه اساسی سرمایه‌داری مبتنی بر تحمیل استبداد و اختناق عریان و استثمار خشن نیروی کار ارزان است، حداقل دستمزد کارگران چند برابر زیر خط فقر رسمی است، کار برده‌وار و حقوق‌های پرداخت نشده قاعده عمومی است، بی‌حقوقی و سرکوب و ترور مخالفین سیاسی بیداد میکند، آپارتاید جنسی و زن ستیزی و گانگستریسم حکم میراند، زندان و شکنجه و چوبه‌دار برقرار است، جنگ ارتجاعی کنونی نیز بر مشقات بمبارت افزوده و جامعه را سالها عقب برده است. یک پیامد این جنگ تقویت عربه‌های ناسیونالیستی و شوونیستی جنگ‌طلبانه

از هر سو است که تماماً علیه منافع و وحدت جهانی کارگران است. در مقابل این موج دست راستی و فاشیستی، کارگران بر اتحاد طبقاتی و همبستگی جهانی فارغ از مرزها و هویت‌های کاذب تاکید میکنند. اول مه روز تاکید بر هویت طبقاتی - انترناسیونالیستی طبقه کارگر بعنوان یک جنبش تاریخی- جهانی است.

فراخوان ما به بخشهای مختلف جنبش بین‌المللی طبقه کارگر اینست که در مناسبت اول مه، در تقابل با جنگ و تبلیغات ناسیونالیستی و جنگ طلبانه بورژوازی، بر اتحاد انترناسیونالیستی کارگران در هر گوشه کره خاکی و بویژه بر همبستگی کارگران در کشورهای درگیر جنگ علیه دولتها و طبقه سرمایه‌دار تاکید کنیم. بر توقف بیدرنگ جنگهای ارتجاعی جاری در ایران و خاورمیانه و اوکراین پافشاری کنیم. جهان زیر نگین دولتهای مرتجع و میلیتاریست و تروریست نیست، کارگران میتوانند چرخها را متوقف کنند، بشریت آزادیخواه میتواند ورق را برگرداند.

اول مه فرصت مناسبی برای ۲۰۲۶ طرح آلترناتیو سیاسی طبقه کارگر برای آزادی جامعه است! سرمایه داری مُسبب و بانی کلیه مشقات انسان امروز است و بربریت مدرن را در زورق تکنولوژی مقابل ما قرار داده است. ما کارگران این بربریت را نمیخواهیم و انسانها را شایسته زندگی بهتری میدانیم، انقلاب کارگری و سوسیالیسم تنها راه نجات بشریت امروز است!

کارگران جهان متحد شوید!
زنده باد انقلاب کارگری!
آزادی، برابری، حکومت کارگری!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
۱۶ آوریل ۲۰۲۶ - ۲۷ فروردین ۱۴۰۵

منصور حکمت را بخوانید

و به دیگران معرفی کنید!

<http://hekmat.public-archive.net>

مرگ بر جمهوری اسلامی!

اعلامیه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سوء قصد تروریستی علیه علی جوادی قویاً محکوم است

در اواسط شب یکشنبه ۱۲ آوریل، رفیق علی جوادی کمونیست شناخته شده و عضو رهبری حزب حکمتیست در منطقه محل سکونت خود در آمریکا هدف یک سوء قصد تروریستی عامدانه و از پیش طراحی شده قرار گرفت. یک خودرو پس از تعقیب او در محدوده محل زندگی، با عبور و ترک محل، اقدام به شناسایی اولیه کرده و لحظاتی بعد با سرعتی بسیار بالا بازگشت؛ زمانی که علی جوادی از خودرو خود پیاده شده بود، مستقیماً به سوی او یورش برد.

حرکت خودرو در راستای مسیر عادی خیابان نبود و از همان ابتدا نشان میداد که هدف، عبور نیست، بلکه اصابت است. خودرو با زاویه‌ای غیرمعارف و حساب شده به او برخورد کرد و علی جوادی چندین متر آن طرف تر به پیاده‌رو پرتاب شد. این یک "تصادف" نبود، تعرضی آگاهانه، دقیق و با هدف آسیب جدی و حتی حذف فیزیکی بود. عامل حمله با سرعت صحنه را ترک کرد.

بلافاصله پلیس و اورژانس در جریان قرار گرفتند. بررسی‌های پزشکی نشان میدهد که خوشبختانه، علی‌رغم شدت ضربه، آسیب جدی از جمله شکستگی یا ضربه مغزی رخ نداده است. تحقیقات برای شناسایی عامل یا عاملین ادامه دارد. ما این پروسه را با حساسیت پیگیری میکنیم.

هویت عاملین هنوز روشن نشده، اما این حمله در خلأ رخ نداده است. علی جوادی بارها توسط عوامل امنیتی رژیم اسلامی کتباً و شفاهاً و اخیراً هم توسط عناصر و جریان‌های دست راستی و فاشیست تهدید شده است. ما انگشت اتهام را اساساً به سمت جمهوری اسلامی نشانه میرویم. در هر حال تحقیقات جاری مسئله و بانیان آنرا را روشن میکند. این تعرض ادامه همان سیاست ترور و حذف مخالفین توسط جمهوری اسلامی علیه فعالین و نیروهای آزادیخواه و سوسیالیست است.

ما این اقدام تروریستی را قویاً محکوم میکنیم و خواهان تأمین فوری امنیت فعالین سیاسی و آزادیخواه هستیم. رویدادهای اخیر در کشورهای مختلف اروپا و آمریکا، بر هشیار امنیتی کلیه مخالفان جمهوری اسلامی تأکید دارد. درعین حال با قاطعیت اعلام میکنیم: اینگونه اقدامات نه تنها خللی در اراده علی جوادی و جنبش و حزب ما ایجاد نمیکند، بلکه عزم ما را برای ادامه مبارزه برای آزادی، برابری و رهایی انسان راسخ‌تر میکند. آنان که به تهدید، ترور و حذف فیزیکی متوسل میشوند، جز هراس و استیصال خود را به نمایش نمیگذارند.

هدف حمله تروریستی به علی جوادی، تعرض به یک فرد نیست.

حمله به نیروهای اپوزیسیون، به صف آزادیخواهی و انسانیت است. ما از جریان‌های مسئول و همه احزاب و سازمانها و نهادها و فعالین آزادیخواه، سوسیالیست و برابری‌طلب میخواهیم علیه اقدامات تروریستی و حذف گرایانه بایستند، این سیاستها را محکوم کنند و لازمست در برابر چنین تعرضات وحشیانه‌ای صفی متحد و قاطع شکل دهیم.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
۲۵ فروردین ۱۴۰۵ - ۱۴ آوریل ۲۰۲۶

برنامه های تلویزیون پرتو،

رسانه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست را
بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو شورایی
در اینترنت دنبال کنید و به کارگران و
دوستانتان معرفی کنید.

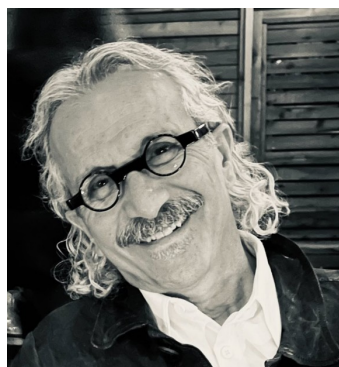
آدرس خط زنده:

<https://alternative-shorai.tv/>

قطع جنگ بیدرنگ!

ترامپ و نتانیاهو دوست مردم ایران نیستند

جمهوری اسلامی باید با قدرت انقلابی کارگران و
توده های مردم آزادیخواه سرنگون شود. ترامپ و
نتانیاهو دوست مردم ایران نیستند، سیاست آنها از
تحریم تا جنگ در خدمت بقای نظم موجود و اعاده
وضع موجود است. سیاست آنها مصادره مبارزات و
جانفشانی مردم به نفع اهداف ارتجاعی خویش
است. دخالت فاشیستها در سیاست ایران موقوف!



کمونیست هفتگی: اکنون از نظر جسمی و روحی در چه وضعیتی هستید، و این تجربه چه اثری بر شما گذاشته است؟ آیا این حمله توانسته کوچکترین خللی در تمرکز یا اراده شما ایجاد کند؟

علی جوادی: از نظر جسمی، خوشبختانه وضعیت من خوب است. ضربه شدید بود و طبیعتاً بدنم بی نصیب از کبودی و درد

نمانده، اما هیچ آسیب جدی‌ای، ضربه مغزی، خونریزی مغزی، شکستگی استخوان و ... وارد نشده است. اگر بخواهم خیلی خلاصه بگویم، بدنم آثار برخورد را دارد، اما ایستاده‌ام و بدنم کارش را انجام می‌دهد. از نظر روحی، چنین تجربه‌ای طبیعتاً بی‌تأثیر نیست. وقتی انسان به طور مستقیم با اقدام تروریستی از این جنس رو به رو می‌شود، لحظه‌ای هست که واقعیت آن را به صورت فشرده و عریان می‌بیند. اما این تأثیر، برای من از جنس عقب نشینی یا تردید نیست، بیشتر از جنس شفاف‌تر شدن است: اینکه بدانیم با چه نیروهایی طرف هستیم و چرا این مبارزه ضروری و حیاتی است. و البته اگر بخواهم کمی صادقانه‌تر و با چاشنی طنز بگویم: اگر احیاناً فکری برای "بازنشستگی" بعد از ۷۲ سالگی در ذهنم جرقه زده بود، این واقعه به نظر می‌رسد آن را به تعویق انداخته است. واقعاً باید گفت "لعنت بر این شانس"، آدم را هم در این سن راحت نمی‌گذارند!

در مورد بخش دوم سوال هم پاسخ روشن است: نه، هیچ خللی ایجاد نکرده است. اگر تغییری رخ داده باشد، جهتش دقیقاً برعکس است. چنین اقداماتی قرار است انسان را متوقف کند، اما در عمل فقط دلیل ادامه دادن را روشن‌تر میکند. اگر کسی تصور کرده که با این روش میتواند اراده یک انسان یا یک جریان را تضعیف کند، باید بگویم که این تصور، بیش از هر چیز، نشان دهنده درک نادرست از ماهیت این مبارزه است.

کمونیست هفتگی: چرا رژیم اسلامی و نیروهای دست راستی در مظان این اقدام قرار می‌گیرند؟ این تحلیل بر چه شواهد و سابقه‌ای استوار است؟ این حمله را در چه چارچوب سیاسی وسیع‌تری می‌بینید: یک اقدام منفرد یا بخشی از سیاست ارباب علیه نیروهای آزادیخواه؟

علی جوادی: برای فهم چنین رویدادی، باید آن را در بستر واقعی و نه در خلأ تحلیل کرد. من سال‌هاست هدف تهدیدات مستمر از سوی نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی بوده‌ام، به صورت کتبی، شفاهی و از طریق کانال‌های غیررسمی. پس از فوت دردناک دخترم زویا در سال ۲۰۰۷، این تهدیدات شکل بی‌پرواتری به خود گرفت؛ بارها تماس‌هایی دریافت کردم که مستقیماً به دستگاه‌های امنیتی مرتبط میشد و حتی تهدید میکردند که همان سرنوشت را برای فرزند دیگرم رقم خواهند زد. این‌ها صرفاً تحلیل سیاسی نیست، تجربه زیسته است.

نه خاموش شد، نه متوقف:

روایت سوء قصد به علی جوادی

کمونیست هفتگی: در چند جمله، آنچه در شب حادثه رخ داد را چگونه توصیف میکنید و چه چیزی آن را از یک "تصادف" متمایز میکند؟

علی جوادی: آنچه رخ داد، یک "تصادف" نبود؛ یک سناریوی کوچک اما گویا از سیاستی بزرگ‌تر بود. یک خودرو ابتدا مرا در محدوده محل سکونت تعقیب کرد، چراغ زد، ایستاد، عبور کرد، محل را ترک کرد و سپس با سرعتی بالا بازگشت، پس از آنکه از خودرو پیاده شده بودم و در کنار خیابان ایستاده بودم. جهت حرکتش مسیر طبیعی خیابان نبود و مستقیم به سمت من تنظیم شده بود. نتیجه روشن بود: برخوردی حساب شده که مرا چند متر آنسو تر پرتاب کرد و خروجی سریع و کنترل شده از صحنه. اگر کسی هنوز بخواهد نام این را "تصادف" بگذارد، باید تعریف تصادف را از نو بنویسد. اینجا نه خطایی در کار بود و نه غفلتی؛ یک تصمیم بود، یک انتخاب، و یک اقدام تروریستی.

اگر بخواهم آن را در یک تصویر خلاصه کنم: تلاشی بود برای حذف فیزیکی. تلاشی که ممکن بود پیامدهای بسیار سنگین‌تری داشته باشد. من مانند یک "پرنده" پس از برخورد به هوا پرتاب شدم، اما خوشبختانه، بدون آسیب جدی از آن بیرون آمدم. و شاید تنها نکته‌ای که میتوان با فاصله‌ای اندک به آن نگاه کرد این است: این همه طراحي، این همه دقت، و این همه خشونت، و در نهایت، آنچه باقی ماند، نه حذف یک صدا، بلکه تأکید دوباره بر این واقعیت است که چنین روش‌هایی، حتی وقتی حرفه‌ای اجرا میشوند، باز هم ممکن است ناکام بمانند. و البته، اگر هدفشان این بود که مرا ساکت کنند، باید بگویم انتخاب وسیله‌شان به اندازه تحلیلشان ضعیف بود.

کمونیست هفتگی: اگر بخواهید ماهیت این اقدام را در یک تصویر خلاصه کنید، چه می‌گوئید: اشتباه، ارباب، یا تلاش برای حذف؟

علی جوادی: اگر بخواهم دقیق و بدون ابهام بگویم، این نه "اشتباه" بود و نه صرفاً "ارباب"؛ این یک تلاش برای صدمه زدن و حذف فیزیکی بود. تفاوتش هم روشن است: ارباب معمولاً پیام میدهد، اما اینجا هدف، خود پیام رسان بود. در یک تصویر، این صحنه‌ای است که در آن سیاست بی‌پاسخ، به خشونت و ترور پناه می‌برد. جایی که به جای مقابله با یک فکر، تلاش میشود صاحب آن فکر و سیاست از صحنه حذف شود. اما همین تصویر یک وجه دیگر هم دارد: وقتی ابزار حذف و ترور به کار گرفته میشود، در واقع اعترافی ضمنی به شکست در میدان واقعی، یعنی میدان اندیشه و سیاست، انجام شده است. این اقدام، بیش از آنکه قدرت را نشان دهد، نشانه ناتوانی و زبونی و دست بردن به ابزار ترور است.

نه خاموشی شد، نه متوقف:

روایت سوء قصد به علی جوادی ...

در کنار این، در ماه‌های اخیر تهدیدات از سوی جریان‌های دست راستی و فاشیستی و سلطنت طلب نیز تشدید شده است. این ترکیب، سابقه تهدید و فضای متشنج سیاسی، طبیعتاً دایره مظنونین را محدودتر میکند. اگر به حافظه تاریخی نگاه کنیم، جمهوری اسلامی یک کارنامه روشن در حذف فیزیکی مخالفین در خارج کشور دارد: از غلام کشاورز تا شاپور بختیار، از عبدالرحمن قاسملو تا فریدون فرخزاد. این‌ها استثنا نیستند، بلکه بیان یک سیاست‌اند.

در عین حال، این تصویر یک بعدی هم نیست. در مواردی مانند قتل مسعود مسجودی در ونکوور، شاهد بوده‌ایم که مظنونانی با گرایش‌های سلطنت طلبی توسط پلیس کانادا دستگیر شده‌اند. بعلاوه در فضای مجازی چه بصورت علنی و چه بصورت پیام شخصی، به تکرار از جانب جریان‌های با گرایش‌های آشکار سلطنت طلبی به قتل و ترور و حذف تهدید شده‌ام. این نشان می‌دهد که فضای خشونت سیاسی، توسط جریان‌های معینی در اپوزیسیون نیز بازتولید شده است. تهدید به قتل امیر طاهری توسط "گارد جاویدان" از چهره‌های "مشروطه خواه" یک نمونه دیگر است. بنابراین، وقتی چنین حمله‌ای رخ می‌دهد، این تحلیل بر پایه "حدس" نیست، بلکه بر پایه الگوها، سابقه‌ها و تهدیدات واقعی است. با این حال، تأکید میکنم که تعیین مسئولیت حقوقی بر عهده نهادهای تحقیقاتی است.

در پاسخ به قسمت پرسش دوم، من این را یک اقدام منفرد نمی‌بینم. این بخشی از یک الگوی وسیع‌تر است، الگوی ارباب، حذف و به سکوت کشاندن نیروهای آزادیخواه. این زبان مشترک نیروهایی است که در میدان سیاست پاسخی ندارند. اما نکته مهم اینجاست: این سیاست، در عین حال نشانه ضعف است، نه قدرت. وقتی یک جریان سیاسی، چه در حاکمیت و چه در اپوزیسیون، به جای پاسخ دادن، به تهدید و حذف متوسل میشود، در واقع اعلام میکند که در عرصه واقعی، یعنی عرصه اندیشه و مبارزه اجتماعی، به بن بست رسیده است و جنایت را به ابزار سیاسی تبدیل کرده است.

کمونیسست هفتگی: این واقعه میتواند منجر به مرگ شما شود. خوشبختانه ناکام ماند، اما مرگ را مسلماً زنده‌تر و در برابر چشمان قرار میدهد. تأثیرش بر شما چگونه بود؟

علی جوادی: در ساعات و روزهای اول، بیشتر درگیر خود واقعه بودم، شوک ناشی از آن، جزئیات دقایقش، و تلاش برای کنترل اوضاع. در آن لحظات، فرصتی برای تأمل عمیق‌تر یا قرار دادن این تجربه در یک افق گسترده‌تر وجود ندارد. برای من هم همین‌طور بود. اما وقتی فضا کمی

آرام‌تر شد، مسئله‌ای بنیادی‌تر خود را نشان میدهد. در درجه اول، نگرانی برای عزیزان، برای فرزند دلبندم و پارتیز زندگی‌ام. تصور "نبودن"، نه برای خودم، بلکه برای آن‌ها، برای کسانی که بخشی از زندگی روزمره، عشق و پیوند انسانی ما هستند، بسیار سنگین است. فکری که میتوانست چه بار و رنجی بر دوش آن‌ها بگذارد، واقعاً تکان‌دهنده است. به این مجموعه، تمام انسانها و رفقای که در طول زندگی افتخار آشنایی و معاشرت با آنها را داشته‌ام باید اضافه کنم. عشقی از نوع دیگر. رفاقتی عمیقاً انسانی و غیر قابل جایگزین.

اما از نظر شخصی، نگاه من تا حدی متفاوت است. وقتی به زندگی‌ام نگاه میکنم، به این هفتاد و چند سال، با همه فراز و نشیب‌ها، سختی‌ها و لحظات خوب، احساس نمیکنم چیزی اساسی ناتمام مانده باشد. از زندگی‌ام راضی‌ام، به تلاش‌هایم افتخار میکنم، و بیش از هر چیز، از این که زندگی‌ام با مبارزه برای آزادی و رهایی انسان گره خورده، احساس رضایت عمیقی دارم. اشتباهات کم نبوده‌اند، اما در کنار آنچه ساخته و برایش ایستاده‌ام، تعیین‌کننده نیستند.

در عین حال، باید صادقانه بگویم که مدتی است این جهان، آن‌گونه که هست، بسیاری از ارزش‌هایش را از دست داده است. هر روز جنگ، کشتار، و نابودی. کودکانی که به گلوله بسته میشوند، انسان‌هایی که به‌خاطر فریاد "مرگ بر رژیم اسلامی" جان‌شان را از دست میدهند، این‌ها واقعیت‌های زمانه ماست. اما پارادکس مساله همین جاست: همین واقعیت‌ها، بیش از هر چیز، بر ضرورت تغییر تأکید میکنند. اگر چیزی این تجربه برای من روشن‌تر کرده باشد، این است که هنوز کار ناتمام است. به بیان ساده: میشد اینجا پایان باشد، اما تا وقتی این جهان چنین است، باید ماند و ادامه داد.

کمونیسست هفتگی: چرا بخش قابل توجهی از افکار عمومی در شبکه‌های مجازی این اقدام را به جریان‌های سلطنت طلب یا حتی شبکه‌های وابسته به موساد نسبت میدهند؟

علی جوادی: این نوع برداشت‌ها از خلأ به وجود نیامده است. پشت آن یک شناخت واقعی و قابل مشاهده قرار دارد. در این دوره، جریان‌هایی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم با پروژه‌های راست‌گرایانه و مشخصاً جریان رضا پهلوی همسو هستند، در فضای سیاسی و رسانه‌ای نقش فعالی در تهدید، تخریب و مرعوب کردن مخالفین آزادیخواه و سوسیالیست ایفا میکنند. در این میان، نقش شبکه‌ها و جریان‌هایی که به موساد نسبت داده میشوند نیز قابل چشم‌پوشی نیست. گزارش‌ها و تحلیل‌هایی در نشریات معتبری مانند "Libération"، "Le Figaro" و حتی "Haaretz" به این نوع پیوندها و همکاری‌ها اشاره کرده‌اند. این‌ها صرفاً ادعاهای پراکنده نیستند، بلکه بخشی از یک تصویر گسترده‌تر هستند.

از سوی دیگر، اگر به فضای مجازی نگاه کنیم، مثلاً به حجم و نوع کامنت‌هایی که زیر مناظره‌ها و برنامه‌های من در یوتیوب

نه خاموش شد، نه متوقف:

روایت سوء قصد به علی جوادی...

منتشر میشود، به سادگی میتوان دید که با یک پدیده ارگانیکی و طبیعی مواجه نیستیم. همینجا اشاره کنم که من قبلاً مطلبی در این زمینه نوشته ام. این سطح از هماهنگی در حمله، توهین و تهدید، نشان میدهد که با یک کار سازمان یافته طرف هستیم؛ یک ماشین تخریب که هدفش خاموش کردن صداهای مخالف است.

در کنار این، خود جریانات سلطنت طلب نیز به صراحت نشان داده اند که تحمل مخالفت ندارند. شعارهایی از جنس "مرگ بر مخالف" و فضای دائمی تعرض به کمونیست ها و نیروهای آزادیخواه، نشان دهنده یک فرهنگ سیاسی است که در آن حذف رقیب جایگزین رقابت سیاسی شده است. حتی در برخی رسانه ها مانند "ایران اینترنشنال" و در اظهارات برخی مجریان و چهره های مرتبط با این فضا، مواردی از تهدید به "دار" و "اعدام" مخالفین به کرات دیده شده است. این ادبیات، نه حاشیه، بلکه بخشی از همان فضای مسمومی است که خشونت و ترور را عادی سازی میکند.

بنابراین وقتی چنین حادثه ای رخ میدهد، طبیعی است که افکار عمومی این قطعات را کنار هم بگذارد و به چنین جمع بندی هایی برسد. این نه از سر توهم، بلکه بر پایه یک تجربه عینی از فضای سیاسی امروز است. در ضمن بار دیگر تاکید میکنم که این ها دلایل سیاسی و یا انگیزه های سیاسی هستند، ارتکاب به هر جرمی را باید بطور مشخص و شخصی نشان داد.

کمونیست هفتگی: این چندگانگی روایت ها درباره عاملین، چه چیزی درباره وضعیت امروز اپوزیسیون و فضای سیاسی میگوید؟

علی جوادی: این چندگانگی روایت ها را نباید صرفاً به "ابهام" یا "سردرگمی" نسبت داد. مسئله اصلی، وجود یک سیاست واقعی تهدید و ارباب در بخشی از فضای اپوزیسیون است، بخشی که به طور مشخص با جریان سلطنت طلبی تداعی میشود. در سال های اخیر، ما شاهد شکل گیری و تقویت ادبیاتی بوده ایم که در آن حذف سیاسی به تدریج جای رقابت سیاسی را میگیرد. تهدید، تخریب سازمان یافته و حتی اشاره های صریح به حذف مخالفین، در این فضا امر نادری نیست. بنابراین وقتی یک اقدام خشونت آمیز رخ میدهد، طبیعی است که افکار عمومی آن را در امتداد همین روند علاوه بر روند همیشگی که تهدید و قتل و ترور توسط رژیم اسلامی، ببیند.

در کنار این، واکنش بخشی از کامنت ها نیز بسیار معنادار است. برخی به جای محکوم کردن نفس این اقدام، این سوال را مطرح میکنند که

"اصلاً فلانی چه جایگاهی دارد که بخواهند او را حذف کنند؟" این نوع نگاه، در واقع خود بخشی از همان مشکل است. مسئله، وزن سیاسی فرد نیست؛ مسئله این است که ترور و اقدام به حذف فیزیکی، بدون هیچ قید و شرطی باید محکوم شود. وقتی حساسیت نسبت به اصل جنایت از بین میرود و به جای آن درباره "ارزش" قربانی بحث میشود، این نشان میدهد که نوعی عادی سازی خطرناک خشونت در حال شکل گیری است.

از سوی دیگر، وجود روایت های مختلف نشان میدهد که این فضا تا چه حد از نظر سیاسی آلوده و متشنج است. جایی که تهدید و ارباب به یک ابزار تبدیل میشود، طبیعی است که هر اقدام خشونت آمیز در چارچوب همین سیاست ها تفسیر شود. بنابراین، مسئله اصلی نه "بحران اعتماد"، بلکه وجود یک سیاست مشخص است: سیاستی که در آن به جای پاسخ سیاسی، از ابزار فشار، تهدید و حذف استفاده میشود. و تا زمانی که این سیاست به طور شفاف افشا و طرد نشود، این چرخه ادامه پیدا خواهد کرد.

کمونیست هفتگی: واکنش ها و همبستگی هایی که پس از این حمله شکل گرفت را چگونه ارزیابی میکنید؟

علی جوادی: واکنش ها در بخش هایی بسیار گسترده و قابل توجه بود. از سوی احزاب کمونیست و چپ، سازمان ها، نهادها و فعالین آزادیخواه و سوسیالیست، پیام های محکومیت و همبستگی دریافت کردم که برای من بسیار ارزشمند است. این واکنش ها صرفاً ابزار همدردی نبود؛ در بسیاری موارد یک موضع گیری روشن سیاسی در دفاع از آزادیخواهی و علیه سیاست ترور و ارباب بود. این نشان میدهد که در برابر چنین اقداماتی، یک حساسیت واقعی و یک مرزبندی سیاسی وجود دارد. در عین حال، برای من این ماجرا یک بُعد عمیقاً انسانی هم داشت. بسیاری از دوستان، رفقا و آشنایان قدیمی، حتی کسانی که سال ها ارتباط مستقیمی نداشتیم، تماس گرفتند، پیام دادند و جویای حال شدند. این همراهی برای من بسیار با ارزش و تاثیرگذار بود و صمیمانه و عمیقاً از همه این عزیزان تشکر میکنم.

اما در کنار این، باید به یک واقعیت دیگر هم اشاره کنم. تا آنجا که من اطلاع دارم، این خبر در بخش هایی از بسترهای اصلی رسانه ها و مدیای اپوزیسیون ایرانی عملاً بازتابی نداشته است. این سکوت، خود به اندازه کافی گویاست. در برابر یک اقدام تروریستی، سکوت نه بی طرفی، بلکه در مواردی نوعی همراهی تلقی میشود. این وضعیت، صادقانه بگویم، شرم آور است.

بنابراین تصویر کلی دوگانه است: از یک سو همبستگی واقعی و انسانی، و از سوی دیگر سکوتی که نیاز به پاسخ و تأمل جدی دارد. به همین دلیل، پاسخ به این وضعیت نمیتواند فردی باشد. این یک مسئله جمعی است و نیازمند یک پاسخ جمعی است: سازماندهی، همبستگی و علنی کردن این تعرضات.

نه خاموش شد، نه متوقف:

روایت سوء قصد به علی جوادی...

کمونیست هفتگی: پیام شما به جریانات و کسانی که این اقدام را محکوم کرده و در کنار شما ایستاده‌اند چیست؟

علی جوادی: پیام من در درجه اول یک تشکر عمیق و صمیمانه است. در چنین لحظاتی، انسان بیش از هر چیز، ارزش همبستگی انسانی و سیاسی را درک میکند. اینکه صف گسترده‌ای از سازمانها و افراد و جریانات مختلف، بدون تردید و بدون ملاحظه، در برابر یک اقدام تروریستی موضع میگیرند، بسیار بااهمیت است. این حمایت‌ها فقط یک واکنش احساسی نیست؛ یک موضع‌گیری سیاسی است. دفاع از یک فرد، در اینجا به معنای دفاع از یک اصل است، اصل مخالفت با ترور، با حذف فیزیکی و با سیاست ارباب. به همین دلیل، این همبستگی‌ها فراتر از یک واقعه مشخص معنا پیدا میکنند. در عین حال، فکر میکنم این لحظه باید به یک گام جلوتر هم منجر شود. صرف محکوم کردن کافی نیست. ما نیاز داریم این حساسیت را به یک سیاست پایدار تبدیل کنیم، به یک ایستادگی دائمی در برابر هر نوع تهدید، ترور و خشونت سیاسی، فارغ از اینکه متوجه چه کسی باشد. به بیان ساده، آنچه در این روزها دیدیم ارزشمند است، اما اگر قرار است معنا و اثر واقعی داشته باشد، باید به یک تعهد جمعی تبدیل شود: تعهد به اینکه اجازه ندهیم چنین روش‌هایی عادی شوند.

کمونیست هفتگی: این حادثه چه هشدار برای فعالین سیاسی دارد و مهم‌ترین اقدام فوری برای افزایش امنیت چیست؟

علی جوادی: این حادثه یک هشدار جدی است: تهدید، صرفاً یک کلمه یا یک پیام در فضای مجازی نیست. میتواند به اقدام عملی تبدیل شود. بنابراین هیچ تهدیدی را نباید دست‌کم گرفت. برای فعالین سیاسی رادیکال و آزادیخواه و کمونیست، اولین نکته این است که باید این واقعیت را بپذیرند که در یک فضای عادی فعالیت نمیکند. با نیروهایی طرف هستند که در مواردی از مرزهای سیاسی عبور کرده و به ابزارهای خشونت آمیز و حتی ترور متوسل میشوند.

از نظر عملی، چند اقدام فوری اهمیت دارد. نخست، افزایش هشیاری فردی، توجه به محیط، تغییر در روتین‌های قابل پیش‌بینی، و پرهیز از قرار گرفتن در موقعیت‌های پرخطر. دوم، ثبت و مستندسازی همه تهدیدها، هیچ موردی نباید نادیده گرفته شود. سوم، ارتباط و اطلاع‌رسانی به دیگران، هیچ‌کس نباید این مسائل را به صورت فردی و در سکوت مدیریت کند. اما مهم‌تر از همه، این یک مسئله صرفاً فردی نیست. امنیت فعالین سیاسی باید به یک موضوع جمعی تبدیل شود. اگر هرکس به تنهایی عمل کند، آسیب پذیر باقی میماند. اینجا نیاز به

هماهنگی، تبادل اطلاعات و ایجاد یک شبکه واقعی از مراقبت و پشتیبانی وجود دارد. به بیان ساده، این حادثه میگوید: باید از سطح واکنش‌های فردی عبور کنیم و به سطح یک آمادگی و پاسخ جمعی برسیم.

کمونیست هفتگی: ایده ایجاد یک آرشو از تهدیدها و تعرضات را چگونه میبینید و چه نقشی میتواند در سازماندهی یک پاسخ جمعی ایفا کند؟

علی جوادی: به نظر من این یک ضرورت فوری است، نه یک ایده فرعی. ما با پدیده‌ای پراکنده رو به رو نیستیم؛ با یک الگو طرف هستیم. بدون جمع‌آوری و ثبت سیستماتیک داده‌ها، این الگو قابل دیدن و قابل پاسخ‌گویی نیست. یک آرشو از تهدیدها، اینکه چه کسی، چگونه، از چه کانالی و در چه زمانی تهدید شده، میتواند تصویر واقعی از ابعاد این مسئله ارائه دهد. این اطلاعات فقط برای ثبت نیست؛ مبنای است برای هشدار، پیشگیری و حتی پیگیری حقوقی. مهم‌تر از آن، چنین ابزاری میتواند فعالین را از وضعیت پراکنده خارج کند. وقتی بدانیم تنها نیستیم و این تهدیدات بخشی از یک روند است، امکان سازماندهی یک پاسخ جمعی واقعی به وجود می‌آید. به بیان ساده: بدون داده، واکنش‌ها پراکنده میماند. با داده، میتوان سازمان داد.

کمونیست هفتگی: این اقدام چه چیزی درباره موقعیت سیاسی عاملان آن نشان میدهد و پیام شما به جامعه و به عاملان چنین اقداماتی چیست؟

علی جوادی: چنین اقدامی بیش از هر چیز نشان‌دهنده یک بن‌بست سیاسی است. وقتی به‌جای پاسخ دادن در میدان اندیشه و سیاست، به حذف فیزیکی متوسل میشوند، در واقع اعلام میکنند که چیزی برای گفتن ندارند. این نشانه قدرت نیست، نشانه استیصال است. اگر بخواهم کمی صریح‌تر بگویم: وقتی به‌جای مناظره، "ماشین" را بمثابه ابزار کشتار وارد صحنه میکنند، یعنی از همان ابتدا بازی را باخت‌ه‌اند. سیاست را با فرمان خودرو نمیشود پیش برد.

اما پیام من دو بخش دارد. به جامعه و نیروهای آزادیخواه میگویم: این اتفاقات را نباید عادی کرد. هر تعرضی از این نوع باید پی‌قید و شرط محکوم شود. سکوت در اینجا بی‌طرفی نیست، در بسیاری موارد، نوعی همراهی است. و به عاملان اینگونه اقدامات، هر که باشند، یک نکته روشن است: این مسیر نتیجه‌ای نخواهد داشت. نه صدای خاموش میشود و نه مبارزه‌ای متوقف. اگر هدفشان عقب‌نشینی ما بود، باید بگویم که نتیجه دقیقاً برعکس شده است. به بیان ساده: آن‌ها به حذف فکر میکنند، ما به ادامه. و اگر بخواهم کمی سبک‌تر جمع‌بندی کنم: ظاهراً قرار بود ما متوقف شویم، اما فعلاً فقط نشان داده‌اند که چرا باید با قدرت بیشتری ادامه داد. این هم شانس من از شانس!؟

۱۷ آوریل ۲۰۲۶

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!



مواجهه‌اند. حقوق و امنیت آن‌ها باید فوراً تضمین شود.

کارگران، غیرنظامیان و نهادهای عمومی هرگز نباید هدف عملیات نظامی قرار گیرند. کشتار و زخمی شدن کارگران در بخش‌های مختلف، از جمله آموزش، بهداشت، رسانه و حمل‌ونقل، و همچنین تخریب فضاهای

محافظت‌شده مانند مدارس و بیمارستان‌ها، نقض جدی قوانین بین‌المللی و تعرض به کرامت انسانی است.

جنبش جهانی اتحادیه‌های کارگری منطق جنگ و نظامی‌گری را رد می‌کند. استفاده از نیروی نظامی امنیت نمی‌آورد، بلکه خشونت را تثبیت کرده، بی‌ثباتی را افزایش می‌دهد و عدالت و صلح را تضعیف می‌کند. دیپلماسی، نه بمباران؛ گفت‌وگو، نه ویرانی، تنها راه مشروع برای دستیابی به صلح پایدار است.

- درخواست‌ها از جامعه بین‌المللی:

اتحادیه‌هایی که نماینده بیش از ۲۰۰ میلیون کارگر در سراسر جهان هستند، از جامعه جهانی می‌خواهند:

- * جنگ را رد کنند، به قوانین بین‌المللی احترام بگذارند و استفاده از نیروی نظامی را محکوم کنند
- * آتش‌بس فعلی را به یک پایان دائمی و پایدار برای درگیری‌ها تبدیل کنند
- * از غیرنظامیان و زیرساخت‌های حیاتی مانند بهداشت، آموزش، آب، غذا و حمل‌ونقل محافظت کنند
- * از کارگران مهاجر، دریانوردان، پناهندگان و همه کارگران آسیب‌پذیر حمایت کنند
- * حقوق بشر و حقوق کار را تضمین کرده و عاملان نقض قوانین بین‌المللی را پاسخگو کنند

جمع‌بندی:

ما تعهد خود را به جهانی اعلام می‌کنیم که در آن مناقشات از طریق دیپلماسی حل می‌شوند، چندجانبه‌گرایی تقویت می‌شود و همه انسان‌ها بتوانند در امنیت، کرامت، دموکراسی و صلح زندگی و کار کنند.

جنگ یک انتخاب سیاسی است، اما صلح تنها پاسخ است.

[1]: https://www.itfglobal.org/en/news/global-unions-call-permanent-and-sustainable-ceasefire-in-middle-east?utm_source=chatgpt.com "Global Unions Call for a Permanent and Sustainable Ceasefire in the Middle East | ITF Global"

ترجمه و بازنشر در کمونیست هفتگی ۸۵۰

بیانیه اتحادیه‌های جهانی برای

آتش‌بس دائمی و پایدار

اتحادیه‌های جهانی امضاکننده این بیانیه خواستار "برقراری یک آتش‌بس دائمی و پایدار در سراسر خاورمیانه" و پایان فوری چرخه بی‌وقفه جنگ و نظامی‌گری هستند که همچنان هزینه‌های ویرانگری بر غیرنظامیان، کارگران و جوامع مختلف تحمیل می‌کند.

ما تأسف می‌خوریم که مذاکرات اخیر در اسلام‌آباد، در جریان آتش‌بس دو هفته‌ای میان ایالات متحده آمریکا، اسرائیل و ایران، بدون دستیابی به یک توافق صلح پایدار به پایان رسید. این آتش‌بس باید دائمی شود، به کاهش کامل تنش‌ها منجر گردد و به‌طور صریح شامل لبنان نیز باشد؛ جایی که حملات نظامی جاری، بحران انسانی فاجعه‌باری ایجاد کرده و زندگی و معیشت شهروندان عادی را به شدت تحت تأثیر قرار داده است.

لبنان همچنان بهای سنگینی از نظر انسانی و اجتماعی این درگیری می‌پردازد. غیرنظامیان با حملات مداوم، آوارگی و تخریب زیرساخت‌های حیاتی مانند مدارس و بیمارستان‌ها مواجه‌اند. لبنان نباید به‌عنوان یک جبهه فرعی جنگ تلقی شود؛ هر مسیر جدی برای صلح باید به پایان این حملات منجر شود.

بسته شدن تنگه هرمز باعث شوک‌های شدید انسانی و اقتصادی در منطقه شده است؛ صادرات نفت، گاز و کود شیمیایی مختل شده، زنجیره‌های تأمین آسیب دیده و امنیت غذایی بیش از پیش تضعیف شده است. این وضعیت اقتصادهای شکننده منطقه را به بحران عمیق‌تری سوق داده و دسترسی مردم به نیازهای اساسی را تهدید می‌کند.

یکی از ویژگی‌های اصلی این جنگ، هدف قرار دادن تأسیسات انرژی، نفت، گاز و پتروشیمی است؛ صناعی که ستون فقرات اقتصاد منطقه هستند. کارگران این بخش‌ها هنگام انجام وظایف خود کشته یا زخمی می‌شوند و منابع انرژی به ابزار فشار در جنگ تبدیل شده‌اند.

در حالی که توجه جهانی به افزایش قیمت نفت معطوف است، دریانوردان غیرنظامی نیز کشته یا زخمی شده‌اند و کشتی‌ها همچنان در معرض خطر حمله قرار دارند. بیش از ۲۰ هزار دریانورد در تنگه هرمز گرفتار شده‌اند و در ترس و عدم قطعیت زندگی می‌کنند.

با وجود بیش از ۳۰ میلیون کارگر مهاجر در منطقه، بسیاری از آن‌ها از آسیب‌پذیرترین گروه‌ها هستند؛ آن‌ها با خطرات جدی برای امنیت، از دست دادن شغل، عدم پرداخت دستمزد و موانع خروج از منطقه

کمونیسم تنها راه نجات بشریت است!

در یک نگاه

آتش بس و چشم انداز آن

رحمان حسین زاده

موعد پایانی آتش بس شکننده میان طرفین جنگ در ایران و خاورمیانه نزدیک است. تلاشهای دیپلماتیک دو طرف و دولت پاکستان میانجی و بعضی کشورهای دیگر احتمال تمدید دوباره آتش بس را بیشتر کرده است. این اتفاق با خشنودی مردم و نیروهای ضد جنگ ویرانگر روبرو است. با برقراری آتش بس ده روزه در لبنان امکان برقرار ماندن بیشتر آتش بس قوت گرفته است. این پدیده را باید به فال نیک گرفت.

چگونه آتش بس ممکن شد؟

آتش بس ممکن شد، چون دولتهای آمریکا و جمهوری اسلامی علی‌رغم ناخشنودی دولت اسرائیل به آن نیاز داشتند. محاسبات دولت ترامپ مبنی بر جنگ سریع و کوتاه مدت غلط از آب درآمد. تسلیم رژیم و یا نسخه ونزوئلایی تغییر از درون حاکمیت محقق نشد. جنگ طولانی تر شد. اولاً انتظار این سطح از مقاومت توسط نیروهای نظامی و نیابتی های جمهوری اسلامی با حمایت عملی و ضمنی روسیه و چین در منطقه را نداشتند. ثانیاً برخلاف تصور مالخولیایی اپوزیسیون دست راستی پروغرب و سلطنت طلبان و فدرالیستها مردم زیر بمب و کشتار و تخریب بنیادها و شیرازه جامعه به نفع "رژیم چنج" مورد نظر دولتهای آمریکا و اسرائیل به میدان نیامدند. ثالثاً کنترل جمهوری اسلامی بر تنگه هرمز و اثرات بحران زای آن بر اقتصاد و سیاست جهانی و تعمیق شکاف بین آمریکا و اروپا و ناتو، دولت ترامپ را در مخمصه جدی قرار داد. به این دلایل دولت آمریکا بیشتر از جمهوری اسلامی به آتش بس نیاز داشت.

جمهوری اسلامی هم زیر ضربات سنگین نظامی قرار داشت. با تهدیدهای سنگین تر باند فاشیست ترامپ - نتانیاهو روبرو بود. دنبال راه مناسب برای خلاصی از تحمل فشار و ضربات سنگین بیشتر بود. در عین حال نفس ایستادگی ۴۰ روزه و اتکا به اهرم کنترل تنگه هرمز این رژیم را در موقعیت بهتر برای چانه زنی و گرفتن امتیاز قرار داده بود. این عوامل تمایل جمهوری اسلامی به آتش بس را تقویت کرد.

دولت اسرائیل ناخشنود از آتش بس و حتی در پروسه دیالوگ برسر آتش بس به بازی گرفته نشد. این معامله از جانب ترامپ به نتانیاهو تحمیل شد. لازمست این احتمال را در نظر داشت این آتش بس شکننده هم هست، به این دلیل که در زمین واقعی جنگ، هیچ طرفی برتری تعیین کننده به دست نیاورد، تا اهداف خود را یکجانبه به طرف مقابل دیکته کند. مضافاً دولت اسرائیل و جنگ طلبی دائمی آن هم یک فاکتور در جهت به هم زدن آتش بس هست. با اینحال کفه ترازو به نفع ادامه آتش بس و پروسه سازش بیشتر از بازگشت به جنگ سنگینی میکند. برقراری آتش بس ده روزه در لبنان و همزمان اعلام تردد عادی نفتکشها در تنگه هرمز از جانب جمهوری اسلامی، نمونه های دیگر تقویت روند آتش بس است. احتمالاً پروسه آتش بس و مذاکره فرسایشی و کشدار خواهد بود. چون خواسته های طرفین از هم دور است و به علاوه برای

معضلات پیچیده دشمنی ۴۷ ساله به سرعت نمیتوانند به راه حل برسند.

از زوایه ما و مردم رنج دیده جامعه، ختم جنگ و پایان گرفتن غرش دهشتناک بمب و موشک و گسترش ناامنی و آوارگی و کشتار مردم سیویل و تخریب زیر ساختهای جامعه اتفاقی مثبت و گام اولیه ای در راستای احیای شرایط طبیعی کار و زندگی و منافع امروز و فردای توده مردم است.

۱۷ آوریل ۲۰۲۶



نهادهای همیاری را در شهر و محله و محل کار وزیست ایجاد کنیم

مردم، آزاد میخواهان!

برای مقابله با مصائب احتمالی جنگ به نیروی متحد و متشکل نیازمندیم. برای یاری رسانی به هم، نهادهای همیاری را در هر محله و شهر و محل کاروزیست سازمان دهیم. با اتکا به شبکه ها و کمیته ها و نهادهای همیاری مردمی، نیازمندیها و مایحتاج روزمره را برای مردم محله و شهر و به ویژه مناطق صدمه دیده جنگی تأمین کنیم. از آوارگان جنگی استقبال کنیم. آنها را در کنار خود اسکان دهیم. معالجه زخمی ها و صدمه دیدگان را تضمین کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

اسفند ۱۴۰۴

ملیت بر خلاف جنسیت مخلوق طبیعت نیست، مخلوق جامعه و تاریخ انسان است. ملیت از این نظر به مذهب شبیه است. اما بر خلاف تعلق مذهبی، تعلق ملی حتی در سطح فرمال هم انتخابی نیست. بعنوان فرد نمیتوان به ملیت خاصی گروید و یا از آن برید.

منصور حکمت

ملت، ناسیونالیسم و برنامه کمونیسم کارگری

جنگ، جمهوری اسلامی و مردم در ایران

سعید یگانه



گور سپردن این رژیم جنایت پیشه پشت سرگذاشته و هرکدام را با کشتار و دستگیری و اعدام و خیزش انقلابی دیمه را با قتل عام دسته جمعی معترضین به خاک و خون کشیدند اما دوباره بر خواستند و کوتاه نیامدند.

در شرایطی که مردم زیر بمباران و موشک باران دولتهای فاشیستی آمریکا و اسرائیل و تهدید سران

جنایتکار و فاشیست اسلامی، وحشیگری نیروهای سرکوب امکان هر نوع اعتراضی را از مردم سلب کرده، دولت جمهوری اسلامی پیشاپیش با محدودیتهای اینترنتی و ایجاد ارباب و ترس و رژه مزدوران در خیابانها خود را برای مقابله با مردم بعد از پایان جنگ آماده می کند. و تمام حقیقت این است که جمهوری اسلامی نه از آمریکا و اسرائیل، که دشمن اصلی خود را مردمی می بیند که می خواهند سر به تنش نماند و جنگ، فقط و فقط به بقای آن کمک کرده است.

ما گفتیم که این جنگ ارتجاعی و هر دو طرف برای تحقق اهداف ضد انسانی خود آغاز کرده اند. مهم نیست کی آغازگر جنگ است، اصل بر این است که قربانی و بازنده اصلی این جنگ در ایران مردم معترض، کارگر رنجیده، زنان تحت ستم و مردم ستمدیده ای است که برای سرنگونی جمهوری اسلامی اعتراض کردند، قیام کردند، هزینه دادند و کشته شدند و دوباره برخاستند. اما این جنگ همه این تحولات را قیچی کرد، قدمها به عقب برگرداند و دست وحوش اسلامی را برای ادامه سرکوب و اختناق هر چه بیشتر باز گذاشت. تردیدی در این نیست و بارها گفتیم جمهوری اسلامی هر چقدر در این جنگ ضربه خورده و ضعیف شده باشد، دولت آمریکا نه قصد سرنگونی دارد و نه جنگ می تواند رژیم را سرنگون کند. برعکس این جنگ هر چند موقت رژیم اسلامی را علیه مردم هارتر و وحشی تر کرده است.

باید مجددا تاکید کرد که پایان عمر جمهوری اسلامی نه در نتیجه جنگ، تحریم، که تنها به دست مردم معترض و متنفر از جمهوری اسلامی و در راس آن گسترش اعتراض و اعتصاب و قیام کارگران ممکن است و راهی برای نجات جامعه باز خواهد کرد. برخلاف نیروهای راست و سلطنت طلب و ناسیونالیستها که در راستای اهداف ضد مردمی خود طرفدار ادامه جنگ و ویرانی جامعه هستند، پایان جنگ، نه تنها این جریانات فاشیست را در جهت پیشبرد اهداف ضد مردمی خود ناامید که عمر جمهوری اسلامی را برای بقا کوتاه و شرایط مبارزه مردم و جنبش های اجتماعی و مبارزات کارگری را به نفع جنبش سرنگونی انقلابی در ایران مساعدتر خواهد کرد. خواست آتش بس دائم و پایان قطعی جنگ، خواست همه سازمانها، احزاب و مردم آزادیخواه ایران و جهان است.

۱۸ آوریل ۲۰۲۶

بعد از چهل روز جنگ ویرانگر دولتهای آمریکا و اسرائیل با جمهوری اسلامی، سرانجام به دلیل محدودیتهای هر دو طرف برای ادامه جنگ و عواقب زیانبار اقتصادی آن، به یک آتش دو هفته ای با میانجیگری دولت پاکستان تن دادند. توقف جنگ پس از تهدیدات ترامپ به ادامه حملات به زیر ساختهای حیاتی ایران صورت گرفت و اولین مذاکرات آنان در پاکستان به شکست منجر شد. در لابلای پروپاگاندا جنگی هر دو طرف و تهدید سران دولت آمریکا برای ادامه حملات در صورت عدم توافق ایران، صحبت برای دور دوم مذاکرات به تیر رساها تبدیل شده و دیروز هیئتی از پاکستان به سرپرستی فرمانده ارتش این کشور برای رایزنی با سران جمهوری اسلامی عازم ایران شد.

دولت آمریکا بعد از شکست دور اول مذاکرات، محاصره تنگه هرمز را حربه ای برای تحت فشار قراردادن جمهوری اسلامی و تن دادن به خواستههای حداکثری دولت آمریکا به اجرا درآورده است و جمهوری اسلامی مدعی "پیروز" تاکنونی این جنگ، طرف مقابل رادر صورت ادامه حملات تهدید به مقابله و تمام توان خود را به کار می اندازد. دولت فاشیست اسرائیل ناخشنود از این آتش بس جنگ را علیه حزب اله در لبنان ادامه داده و تاکنون صدها نفر مردم غیر نظامی . سیویل را به کام مرگ برده است. تمام مسئله این است که جنگ هر سرنوشتی پیدا کند، در صورت توافق و یا ادامه آن، بازنده اصلی آن، طبقه کارگر ایران و مردم محرومی است که هزینه جانی، مالی و روانی آن را از هرجهت باید بر دوش بکشند.

جنگ، جمهوری اسلامی و مردم

از آغاز جنگ تاکنون دولت جنایتکار اسلامی در مقابل مردم معترض و متنفر از نظام حاکم، نه تنها کوتاه نیامده بلکه جامعه ایران را تماما امنیتی و نظامی کرده است. سران باقیمانده نظام توحش اسلامی از قوه قضائیه تا سپاه و ارتش و بسیج هر نوع اعتراض و تحرک را به حمایت از دشمن و تهدید به مرگ می کنند. طرفداران خود را برای ارباب مردم به مناسبتهای مختلف بسیج و به رخ می کشند و اخیرا با اعزام و رژه نیروهای مزدور و نیابتی همچون حشدالشعبی، گردان فاطمیان، و اخیرا شیعیان ترکیه برای حمایت از جمهوری اسلامی به شهرهای ایران گسیل داده اند.

اعدام جوانان دستگیرشده خیزش دی ماه، صدور احکام اعدام و اعدام تعدادی از زندانیان سیاسی به اتهام هواداری از سازمان مجاهدین، احضار و دستگیری و مصادره اموال ایرانیان مقیم خارج و هنرمندان و غیره به ابزار امروز دولت جنایتکار اسلامی برای خفه کردن جامعه تبدیل شده است. این وحشیگری در میانه این جنگ چیزی جز هراس از مردمی نیست که از دی ماه ۹۶ تاکنون چهار خیزش انقلابی را برای به

تنگه هر مز: وقتی جنگ قدرت، زندگی مردم

را خفه می کند

وریا روشنفکر

آنچه در تنگه هر مز می گذرد، فقط یک تقابل نظامی یا کشمکش دیپلماتیک نیست؛ اینجا نقطه ای است که در آن منافع قدرت های سلطه گر و جنگ طلب مستقیماً به زندگی روزمره مردم گره می خورد. این گذرگاه حیاتی انرژی، به ابزاری برای فشار اقتصادی تبدیل شده و نتیجه اش نه در گزارش های رسمی، بلکه در سفره های خالی، بیکاری گسترده و فرسایش زندگی اجتماعی دیده می شود.

محاصره عملی این مسیر و اختلال در صادرات نفت، به معنای قطع جریان اصلی اقتصاد ایران است. میلیاردها دلار خسارت، در سطح زندگی مردم به شکل سقوط ارزش پول، تورم افسارگسیخته و کمبود کالاهای اساسی ظاهر می شود. اما آنچه کمتر به آن پرداخته می شود، اثر عمیق تر این وضعیت بر ساختار تولید و اشتغال است؛ جایی که بحران نه فقط مصرف، بلکه امکان کار کردن و زنده ماندن را هدف می گیرد.

در شرایط جنگی و محاصره، کارخانه ها صرفاً به دلیل کاهش تقاضا تعطیل نمی شوند، بلکه به طور فیزیکی و ساختاری نابود می شوند. زیرساخت های صنعتی در اثر حملات مستقیم یا کمبود قطعات و مواد اولیه از کار می افتند. ماشین آلاتی که سال ها برای راه اندازی آنها سرمایه گذاری شده، به آهن قراضه تبدیل می شوند. خطوط تولید می خوابند و بازگرداندن آنها به چرخه کار، حتی پس از پایان جنگ، به سادگی ممکن نیست. این یعنی تخریب ظرفیت تولیدی کشور، نه یک وقفه موقت، بلکه یک عقب گرد عمیق و بلندمدت.

پیامد مستقیم این روند، بیکاری ای است که دیگر یک پدیده موقتی نیست، بلکه به یک وضعیت ساختاری تبدیل می شود. کارگرانی که شغل خود را از دست می دهند، با بازاری مواجه اند که دیگر ظرفیتی برای جذب آنها ندارد. کارخانه ای وجود ندارد که به آن بازگردند، تولیدی در کار نیست که دوباره راه بیفتد. این بیکاری، بیکاری پس از تعطیلی نیست؛ بیکاری پیش از نابودی است.

در این میان، اثرات مضاعف بحران خود را نشان می دهد. تعطیلی هر واحد تولیدی، تنها به بیکار شدن کارگران همان کارخانه محدود نمی شود. زنجیره ای از مشاغل وابسته؛ از حمل و نقل و توزیع گرفته تا خدمات و خرده فروشی؛ نیز از کار می افتند. به این ترتیب، هر ضربه به تولید، چندین برابر در کل اقتصاد تکثیر می شود. آنچه شکل می گیرد، یک موج بیکاری است که لایه های مختلف جامعه را در بر می گیرد.

همزمان، کارگرانی که هنوز شغل خود را حفظ کرده اند نیز در وضعیت ناامن تری قرار می گیرند. دستمزدها به تعویق می افتد، قراردادهای موقت تر و بی ثبات تر می شوند و شرایط کار سخت تر. در عمل، حتی "شاغل بودن" نیز به معنای امنیت اقتصادی نیست. کارگر میان بیکاری کامل و

استثمار شدیدتر، در وضعیتی معلق قرار می گیرد.

در کنار این ها، کاهش ارزش پول و افزایش قیمت ها، فشار مضاعفی بر زندگی مردم وارد می کند. بیکاری گسترده همراه با تورم شدید، ترکیبی انفجاری ایجاد می کند که نتیجه آن، گسترش فقر، سوء تغذیه و حذف تدریجی بخش بزرگی از

جامعه از حداقل های زندگی است. طبقات متوسط نیز به سرعت به این چرخه سقوط کشیده می شوند و شکاف اجتماعی عمیق تر می گردد.

در چنین شرایطی، بحران اقتصادی به سرعت به بحران اجتماعی تبدیل می شود. افزایش کار کودک، رشد جرم، گسترش حاشیه نشینی و تشدید خشونت های خانگی، همگی پیامدهای مستقیم این وضعیت هستند. زنان در این میان بار سنگین تری را تحمل می کنند؛ هم در تأمین معیشت خانوار و هم در مواجهه با کاهش خدمات حمایتی.

آنچه این وضعیت را بیش از پیش نابرابر می کند، نحوه توزیع هزینه ها و منافع بحران است. در حالی که اکثریت جامعه با بیکاری و فقر دست و پنجه نرم می کند، اقلیتی محدود از طریق بازارهای غیررسمی، رانت و دسترسی به منابع قدرت، از همین شرایط سود می برند. بحران، برای برخی فاجعه است و برای برخی دیگر فرصت.

مقایسه این وضعیت با بودجه سالانه کشور، نشان می دهد که تنها چند ماه تداوم جنگ و محاصره می تواند معادل بخش بزرگی از کل منابع عمومی را از بین ببرد. اما این عدد تنها زمانی معنا پیدا می کند که بدانیم این "از بین رفتن" چگونه توزیع می شود: نه به صورت برابر، بلکه به طور متمرکز بر دوش کارگران و فرودستان.

در سطحی گسترده تر، این بحران بخشی از نظامی است که در آن اقتصادهای وابسته به منابع خام، همواره در معرض چنین شوک هایی قرار دارند. تنگه هر مز در این معنا، صرفاً یک گذرگاه نفتی نیست؛ نقطه ای است که در آن شکنندگی یک ساختار اقتصادی و بی دفاعی یک جامعه در برابر بحران، به روشنی دیده می شود.

در نهایت، اگر قرار است از صلح سخن گفته شود، باید روشن باشد که صلح واقعی صرفاً توقف جنگ نیست. بازگشت به شرایطی که همین میزان نابرابری و آسیب پذیری را بازتولید می کند، تغییری در زندگی مردم ایجاد نخواهد کرد. آنچه ضروری است، پایان وضعیتی است که در آن نابودی کارخانه ها، بیکاری گسترده و فروپاشی زندگی اجتماعی، به پیامد طبیعی تصمیماتی تبدیل می شود که جایی دور از زندگی مردم گرفته می شوند.

اعلامیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در محکومیت

سوء قصد تروریستی علیه علی جوادی

سه شنبه ۲۵ فروردین ۱۴۰۵



با تأسف مطلع شدیم که در اواسط شب یکشنبه ۱۲ آوریل، رفیق علی جوادی عضو رهبری حزب حکمتیست در منطقه محل سکونت خود در آمریکا هدف یک سوء قصد تروریستی عامدانه و از پیش طراحی شده قرار گرفته است. طبق گزارش یک خودرو پس از تعقیب او در محدوده محل زندگیش، با سرعتی بسیار بالا؛ زمانی که علی جوادی از خودرو خود پیاده شده بود، او را مورد یورش قرار میدهد و علی جوادی چندین متر آن طرف تر به پیاده‌رو پرتاب می‌شود. بر اساس شواهد این نه یک "تصادف" بلکه، تعرضی آگاهانه، با هدف آسیب جدی و حتی حذف فیزیکی بود. خوشبختانه، علی‌رغم شدت ضربه، آسیب جدی از جمله شکستگی یا ضربه مغزی رخ نداده است.

این سئو قصد تروریستی با توجه به اینکه علی جوادی بارها توسط عوامل امنیتی رژیم اسلامی کتباً و شفاهاً و اخیراً هم توسط عناصر و جریانات دست راستی و فاشیست تهدید شده است تصادفی نیست و بهر حال تحقیقات جاری پلیس مسئله و بانیان آنرا را روشن میکند. اما به احتمال زیاد این تعرض ادامه همان سیاست ترور و حذف مخالفین توسط جمهوری اسلامی علیه فعالین و نیروهای آزادیخواه و سوسیالیست است.

هدف حمله تروریستی به علی جوادی، تعرض به یک فرد نیست. حمله به نیروهای اپوزیسیون، به صف آزادیخواهی و انسانیت است. ما از جریانات مسئول و همه احزاب و سازمانها و نهادها و فعالین آزادیخواه، سوسیالیست و برابری طلب می‌خواهیم علیه اقدامات تروریستی و حذف گرایانه بایستند، این سیاست ها را محکوم کنند و لازمست در برابر چنین تعرضات وحشیانه‌ای صبی متحد و قاطع شکل دهیم.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست این سئو قصد ناکام تروریستی به رفیق علی جوادی را قویاً محکوم میکند با توجه به رویدادهای اخیر در کشورهای مختلف اروپا و آمریکا، بر هشیاری امنیتی کلیه مخالفان جمهوری اسلامی تأکید دارد.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

۱۴ آوریل ۲۰۲۶

اتحاد سوسیالیستی کارگری، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت

قدردانی و تشکر

به احزاب، سازمانها، نهادها، رسانه ها، شخصیتها و فعالین سیاسی

در داخل و خارج!

خبر سوء قصد تروریستی علیه رفیق علی جوادی، کمونیست سرشناس، عضو رهبری حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست با انزجار و محکومیت صف وسیعی از آزادیخواهان و نیروهای سیاسی اعم از احزاب، سازمانها، نهادها، رسانه ها، شخصیتها و فعالین سیاسی در داخل و خارج و در عراق و کردستان عراق روبرو شد. این حرکت اصولی و وسیع عزم جنبش آزادیخواهی و کمونیستی و حزب ما و علی جوادی را در مبارزه بی امان علیه سرمایه و جمهوری اسلامی و جریانات دست راستی و فاشیست راسخ تر خواهد کرد.

به این وسیله از جانب دفتر سیاسی و صفوف حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست قدردان اقدام اصولی همه جریانات، احزاب و نهادها و انسانهایی هستیم که علیه این اقدام تروریستی اتخاذ کردند.

با درود و موفق باشید

رحمان حسین زاده

۱۸-۴-۲۰۲۶

سوء قصد علیه علی جوادی را محکوم میکنیم!

بنا به اطلاعیه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، به تاریخ امروز ۱۴ آوریل، در اواسط شب یکشنبه ۱۲ آوریل، رفیق علی جوادی در منطقه محل سکونت خود در آمریکا هدف یک سوء قصد تروریستی عامدانه و از پیش طراحی شده قرار گرفت. یک خودرو پس از تعقیب او در محدوده محل زندگی، اقدام به شناسایی اولیه کرده و زمانی که علی جوادی از خودرو خود پیاده شده بود، با اتومبیل به او زده و فرار کرده است. خوشبختانه این حمله باعث آسیب‌های جدی به علی جوادی نشده است و او سالم است.

حزب کمونیست کارگری ایران این حمله تروریستی علیه علی جوادی را که می‌تواند از جانب عوامل جمهوری اسلامی یا جریانات فاشیست و دست راستی صورت گرفته باشد قاطعانه محکوم می‌کند و همه نیروهای اپوزیسیون را به هوشیاری و دست زدن به ابتکارات متحدانه برای مقابله با اقدامات تروریستی جمهوری اسلامی و نیروهای همسو با آن در خارج کشور فرا میخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۵ فروردین ۱۴۰۵، ۱۴ آوریل ۲۰۲۶

نه به حجاب اسلامی! حجاب را آتش بزنید!

بیانیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در کردستان در محکومیت سوءقصد علیه علی جوادی

چهارشنبه ۲۶ فروردین ۱۴۰۵



شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در کردستان، سوءقصد وحشیانه علیه علی جوادی، از چهره‌های شناخته‌شده جنبش آزادی‌خواهی و کمونیستی، را به شدت محکوم می‌کند و این اقدام تروریستی را تعرضی آشکار به آزادی بیان و کلیت جنبش انقلابی می‌داند.

براساس گزارش‌های موجود، نیمه‌شب یکشنبه ۱۲ آوریل ۲۰۲۶، علی جوادی در محل سکونت خود در ایالات متحده هدف حمله‌ای عامدانه و از پیش طراحی‌شده قرار گرفت. خوشبختانه وضعیت جسمی او پایدار گزارش شده است.

ما تأکید می‌کنیم که چه آمران این جنایت مزدوران جمهوری اسلامی باشند و چه جریان‌های راست افراطی که این روزها در ایجاد فضای خفقان با رژیم هم‌سو شده‌اند، هدف یکی است: ضربه‌زدن به جنبش آزادی‌خواهی و خاموش کردن صدای نیروهای رادیکال و برابری‌طلب.

نیروهای چپ، آزادی‌خواه و سوسیالیست باید با اتحاد عمل اجازه ندهند جریان‌های راست و سلطنت‌طلب با بازتولید روش‌های حذف و ترور جمهوری اسلامی، فضای فعالیت سیاسی را به لجن‌زار خشونت بکشانند.

این‌گونه تعرضات نه تنها ما را عقب نمی‌راند، بلکه حقانیت مبارزه علیه هر دو قطب ارتجاع—جمهوری اسلامی و اپوزیسیون راست—را بیش از پیش آشکار می‌کند.

ما در کنار علی جوادی ایستاده‌ایم و برای او آرزوی بهبود و سلامتی داریم.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در کردستان

۲۶ فروردین ۱۴۰۵ / ۱۵ آوریل ۲۰۲۶

اطلاعیه کمیته اجرایی اتحاد سوسیالیستی کارگری سوء قصد به جان رفیق علی جوادی محکوم است

پنجشنبه ۲۷ فروردین ۱۴۰۵ - ۱۶ آپریل ۲۰۲۶

روز یکشنبه شب رفیق علی جوادی عضو رهبری حزب حکمتیست خوشبختانه از یک سوءقصد جان سالم بدر برد. تا چندی پیش متهم اصلی هر تهدید و ترور فعالین اپوزیسیون رژیم اسلامی بود. اما مدتی است که سلطنت طلبان هم به متهمان اصلی تهدید و ترور فعالین اپوزیسیون اضافه شده‌اند. عامل به قدرت نرسیدن رضا پهلوی و فاشیستهای سلطنت طلب، منتقدین سوسیالیست آنها نیستند. رضا پهلوی و سلطنت طلبان به نیروی نظامی اسرائیل و آمریکا دخیل بسته بودند تا به قدرت برسند و شکست خوردند چون اکثریت مردم ایران با وجود نفرت از رژیم اسلامی و خواست و اراده سرنگونی آن، حاضر نشدند پیاده نظام ارتش‌های آمریکا و اسرائیل شوند. خشم از ناکامی هایتان را بر سر دولتهای آمریکا و اسرائیل بریزید که سرکارتان گذاشتند و برای همیشه بازگشت سلطنت را غیر ممکن کردند. منتقدین رضا پهلوی در اپوزیسیون عامل ناکامی‌های سلطنت طلبان نیستند و حذف آنها با تهدید، ترور یاسمین پهلوی را در ایران شهبانو نمی‌کند.

خشونت کلامی، تهدید و ترور فاشیستهای سلطنت طلب به گرد پای بازجوها و آدمکشان حاکم بر ایران هم نمی‌رسد. دستگیری، شکنجه و کشتار کمونیستها در دو نظام شاهنشاهی و اسلامی نتوانسته مدافعان آزادی، برابری و منافع طبقه کارگر را ساکت کند چه برسد به جوجه فاشیستهای سلطنت طلب.

ما خشونت کلامی، تهدید و ترور فعالین اپوزیسیون توسط اوباش سلطنت طلب را محکوم می‌کنیم. نا امن کردن فعالیت علیه رژیم اسلامی در خارج کشور تنها بسود رژیم اسلامی است. آدمکشان رژیم اسلامی با رضا پهلوی و سلطنت طلبان در حمله به نیروهای مدافع آزادی و برابری، منافع طبقه کارگر و رهایی زنان منافع مشترک طبقاتی دارند.

امیدواریم رفیق علی جوادی بسرعت سلامتی خود را باز یابد و فعالیت هایش را از سر بگیرد.

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی

نه پهلوی نه رهبری آزادی و برابری

کمیته اجرایی اتحاد سوسیالیستی کارگری

۲۶ فروردین ۱۴۰۵ برابر با ۱۵ آوریل ۲۰۲۶

آزادی، برابری، رفاه همگانی!

اطلاعیه سازمان بدیل کمونیستی در عراق

ما سوء قصد به جان رفیق «علی جوادی» را به شدت
محکوم می‌کنیم

طبق اعلامیه حزب کمونیست کارگری ایران-حکمتیست، شب یکشنبه ۲۰۲۶/۴/۱۲، در نزدیکی محل سکونت رفیق «علی جوادی» در آمریکا، سوء قصدی تروریستی علیه وی صورت گرفت. علی جوادی، عضو کمیته مرکزی این حزب و از چهره‌های شناخته شده جنبش کمونیستی ایران، در جریانیک تعقیب و مراقبت، توسط یک اتومبیل زیر گرفته و مجروح شد؛ مهاجمان بلافاصله از صحنه گریخته‌اند. خوشبختانه جراحات وی عمیق نبوده و خطر جانی او را تهدید نمی‌کند. تیم‌های تحقیق برای بررسی رویداد کار خود را آغاز کرده‌اند، اما تاکنون جزئیاتی منتشر نشده است.

بنا بر همین گزارش، رفیق علی جوادی پیش از این بارها از سوی جمهوری اسلامی و جریان‌های راست و فاشیست در میان اپوزیسیون بورژوازی ایران مورد تهدید قرار گرفته بود.

در حالی که جمهوری اسلامی در داخل ایران با ترور و اعدام دست به قتل عام هزاران نفر زده و با حملات پهلادی به اپوزیسیون، ده‌ها کشته و مجروح غیرنظامی بر جای گذاشته است، جریان‌های راست و فاشیست نیز که به قدرت رسیدن خود را به بمباران و ویرانی‌های آمریکا و اسرائیل در ایران گره زده‌اند، حملات خود را علیه جبهه ضد جنگ و به‌ویژه کمونیست‌ها تشدید کرده‌اند.

ما در سازمان بدیل کمونیستی که طی ۶ هفته گذشته با جنایت ترور رهبر عزیز خود، ینار مجد، روبرو شدیم و خسارت بزرگی به ما و کل جنبش کمونیستی و آزادی‌خواهانه زنان وارد شد، همبستگی قاطع خود را با رفقای حزب کمونیست کارگری-حکمتیست و تمامی جنبش کمونیستی و آزادی‌خواه ایران و منطقه اعلام می‌داریم. ما بر ضرورت مقابله با تروریست‌های وابسته به اسلام سیاسی و فاشیست‌های درون اپوزیسیون بورژوازی ایران تأکید می‌کنیم.

تنها پاسخ شایسته به تروریسم و ارتجاع، تقویت هرچه بیشتر جبهه مبارزات آزادی‌خواهانه است.

ما این تلاش تروریستی علیه جان رفیق علی جوادی را به شدت رسوا و محکوم کرده و برای ایشان آرزوی سلامتی داریم. همچنین از نیروهای سوسیالیست و آزادی‌خواه می‌خواهیم با هر ابزاری که در اختیار دارند، اجازه ندهند این اقدامات بی‌پاسخ بماند.

۱۶/۴/۲۰۲۶

در محکومیت یک توطئه تروریستی

خبر اقدام و تلاش تروریستی خوشبختانه ناموفق در خارج از کشور، علیه یکی از شخصیت‌های شناخته شده اپوزیسیون چپ ایران، رفیق علی جوادی، به موجی از خشم و نگرانی در میان فعالین سیاسی در خارج از کشور دامن زده است.

بی تردید در این تلاش و توطئه، بیش از هر کس و هر قدرت و باند و نیروی تبهکاری، انگشت اتهام بسوی متهمین سیاسی در ردیف‌های اول، جمهوری اسلامی ایران و اپوزیسیون‌های راست افراطی آن نشانه گرفته می‌شود! هر دو سوی این ارتجاع، به اندازه کافی کینه و نفرت از فعالیت‌های کمونیست‌ها و آزادی‌خواهانی که بطور متمرکز هر دو سوی این مرتجعین را مورد حملات تبلیغی خود قرار می‌دهند، دارند که خواهان ساکت کردن صداهای اعتراضی چون صدای علی جوادی باشند! هر دو سوی این ارتجاع برای ساکت کردن مخالفین سیاسی خود، دست به ترور و حذف فیزیکی انسانها می‌زنند و چنین ظرفیت باند سیاهی بخشی از هویت آنان است.

طبق اطلاعیه "حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست" که این اقدام تروریستی را در جزئیات بازگو کرده است، یکشنبه ۱۲ آوریل، رفیق علی جوادی، عضو رهبری آن حزب، در منطقه محل سکونت خود در آمریکا تحت تعقیب قرار می‌گیرد و در فرصتی که برای تعقیب کننده فراهم می‌شود به او حمله می‌شود و تلاش می‌شود که در شکل یک تصادف ساختگی اتومبیل، به او آسیب‌های جدی بزند که خوشبختانه این آسیب‌ها علی‌رغم شدت ضربه، جدی نیست و تحقیقات پلیس برای شناسایی عامل یا عاملین این اقدام در جریان است.

این اقدام تروریستی بی تردید از جانب ما و هر انسان آزادیخواه و برابری طلبی، محکوم است و ما قاطعانه از هر تلاشی برای کمک به شناسایی عاملین این اقدام، کوتاهی نخواهیم کرد.

این اقدام بعلاوه سوت خطری است که در این شرایط جنگی و دو قطبی‌های مخالف و موافق جنگ و تخریب ایران، در قدرت و در اپوزیسیون، فعالین سیاسی امنیت خود را جدی بگیرند! در شرایطی که جمهوری اسلامی بیشترین بهره‌برداری برای ساکت کردن صداهای اعتراضی علیه خود را، چه در ایران و چه در خارج از کشور از این شرایط می‌برد! در شرایطی که در عین حال نیروهای سناریو سیاهی و سرمایه‌گذاران بر آینده تاریک ایران، کسانی که ابزاری جز ترور و ارباب علیه مخالف خود ندارند، حفظ امنیت خود در مقابل اقدامات توطئه‌گرانه و تروریستی از همه طرف را در اولویت خود قرار دهند!

بی تردید این اقدامات نه در داخل کشور و نه در خارج از کشور، قادر نیست صدای کمونیست‌ها، فعالین سیاسی آزادیخواه و برابری طلب را نه خاموش که حتی کوتاه کند!

حزب حکمتیست (خط رسمی)

۲۵ فروردین ۱۴۰۵ - ۱۴ آوریل ۲۰۲۶

قطع جنگ بیدرنگ!

متن کردی و فارسی اعلامیه حزب کمونیست کارگری کردستان

سوءقصد تروریستی به علی جوادی را محکوم می‌کنیم!

بر اساس بیانیه حزب کمونیست کارگری ایران-حکمتیست، در شب یکشنبه ۱۲ آوریل ۲۰۲۶، رفیق علی جوادی، کمونیست شناخته‌شده و برجسته و از اعضای رهبری حزب کمونیست کارگری ایران/حکمتیست، توسط فردی با استفاده از خودرو، پس از پیاده شدن از اتومبیلش در مقابل منزل خود، مورد سوءقصد تروریستی قرار گرفت. طبق این اطلاعیه، این اقدام تروریستی برنامه‌ریزی شده بوده و به همین دلیل به شیوه زیر گرفتن با خودرو متوسل شده‌اند تا این حادثه به عنوان یک تصادف عادی رانندگی جلوه کند. شایان ذکر است که پلیس و تیم‌های امدادی بلافاصله در محل حاضر شده و معاینات پزشکی نشان می‌دهند که خوشبختانه با وجود شدت برخورد، جراحت سختی رخ نداده است. تحقیقات در مورد این پرونده و عاملان آن همچنان ادامه دارد.

همچنین طبق بیانیه حزب حکمتیست، این اولین بار نیست که رفیق علی جوادی با تهدید روبرو می‌شود. وی بارها از سوی نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی ایران به صورت مکتوب یا مستقیم تهدید شده است. اخیراً نیز از سوی سلطنت‌طلبان و جنبش‌های راست‌گرا و فاشیستی مورد تهدید قرار گرفته بود.

این تلاش تروریستی در شرایطی صورت می‌گیرد که پیامدهای زیان‌بار جنگ اسرائیل و آمریکا علیه ایران، خشونت، بی‌ثباتی، آشفتگی سیاسی، ویرانی و فروپاشی اوضاع اجتماعی و بحران اقتصادی شدیدی را به دنبال داشته و خاورمیانه و جامعه جهانی را با خطر مواجه کرده است. در میان این فضای جنگی، جمهوری اسلامی ایران به بازداشت و زندانی کردن دسته‌جمعی معترضان، سرکوب و ایجاد رعب و وحشت، اعدام و کشتن مخالفان سیاسی و تظاهرکنندگان زندانی در سراسر شهرهای ایران ادامه می‌دهد.

از سوی دیگر، اپوزیسیون راست‌گرای رژیم اسلامی، سلطنت‌طلبان و طرفداران جنگ آمریکا و اسرائیل که امید خود را به موشک‌های آمریکا و اسرائیل گره زده‌اند تا سهمی از قدرت را پس از سقوط رژیم اسلامی به دست آورند، از آن صدهای پیشرو، سوسیالیست و انسان‌دوستی که علیه این جنگ ویرانگر ایستاده و خواهان پایان دادن به آن هستند، ناراضی‌اند! رفیق علی جوادی به همین ترتیب از سوی هر دو جریان جمهوری اسلامی ایران و اپوزیسیون راست‌گرا (به‌ویژه سلطنت‌طلبان) در معرض هدف قرار داشته است.

ما در حزب کمونیست کارگری کردستان، به شدت این تلاش تروریستی شکست‌خورده را محکوم می‌کنیم و صدای خود را به صدای آزادی‌خواهان، انسان‌دوستان و کمونیست‌ها علیه این اقدام تروریستی علیه رفیق علی جوادی پیوند می‌دهیم.

۱۵ آوریل ۲۰۲۶

حزب کمونیست کارگری کردستان

به‌پیراگه‌یه‌نراویتی حیزبی کۆمۆنیستی کریکاری ئێران -حیکمه‌تیست، شه‌ویه‌کشه‌ممه ۱۲/۴/۲۰۲۶، هاورێ عه‌لی جه‌وادی، کۆمۆنیستیکی ناسراو و به‌رجه‌سته و ئەندام‌پارێه‌ری حیزبی کۆمۆنیستی کریکاری ئێران/ حیکمه‌تیست، له‌لایه‌ن که‌سیکه‌وه له‌رێگه‌ی ئۆتۆمۆبێله‌وه دوا‌ی دابه‌زین له‌ ئۆتۆمۆبێله‌که‌ی له‌به‌رده‌م ماله‌که‌ی خۆیدا، هه‌ولی تیرۆکردنی دراوه. به‌پیراگه‌یانده‌نه‌که‌ ئه‌و کاره تیرۆریسته‌یه به‌رنامه‌ بۆدارێژراوبوو و بۆیه‌ به‌نایان بردۆته‌ به‌ر بیاکێشانی ئۆتۆمۆبیل تا روداوه‌که‌ وه‌کو روداوێکی ئاسایی پێکدادانی ئۆتۆمۆبیل ده‌ریکه‌وێ. شایانی ئاماژه‌یه‌ ده‌سته‌بجێ پۆلیس و تیمه‌کانی فریاکه‌وتن گه‌یشتونه‌ته‌ شوێنه‌که‌ و پشکینه‌یه‌ پزیشکیه‌کان ده‌ریده‌خه‌ن که‌ خۆشه‌ختانه‌ سه‌ره‌رای توندی لێدانه‌که‌، هه‌یج برینێکی سه‌خت‌روینه‌داوه. لێکۆلینه‌وه‌ له‌م پرسه‌ و ئەنجامده‌رانی به‌رده‌وامه.

هه‌ر به‌پیراگه‌یانده‌نه‌که‌ی حیزبی حیکمه‌تیست، ئەمه‌یه‌که‌مێن جار نییه‌ هاورێ عه‌لی جه‌وادیروبه‌رووی هه‌ره‌شه‌ ده‌بێته‌وه. چه‌ندین جار له‌لایه‌ن هه‌یزه ئەمنیه‌کانی کۆماری ئیسلامی ئێران‌وه‌ به‌ نووسراو یا نه‌شتیه‌ی‌پراسته‌وه‌خۆ هه‌ره‌شه‌ی لێکراوه. له‌م دوا‌ییانه‌دا له‌لایه‌ن سه‌لته‌نه‌تخاوه‌کانو بزوتنه‌وه‌راسته‌رو و فاشیسته‌کانیشه‌وه‌ هه‌ره‌شه‌ی لێکراوه.

ئهم هه‌وله‌ تیرۆریسته‌یه له‌ هه‌لومه‌رجێکدا به‌رێوه‌ده‌چیت که‌ ئاکامه‌ زیانباره‌کانی جه‌نگی ئیسرائیل و ئەمریکا بۆ سه‌ر ئێران، توندوتیژی، ناسه‌قامگیری و گێژاوی سیاسی، وێرانکاری و تیکچوونی بارودۆخی کۆمه‌لایه‌تی و قه‌یرانی ئابووری قورسی لێکه‌وتۆته‌وه‌ و خۆره‌ه‌لاتی ناوه‌راست و کۆمه‌لگه‌ی جیهانی خستۆته‌ به‌رده‌م مه‌ترسیه‌وه. له‌نیۆ ئهم فه‌زای جه‌نگه‌دا کۆماری ئیسلامی ئێران به‌رده‌وامه‌ له‌ ده‌ستگیرکردن و زیندانیکردنی به‌کۆمه‌لی خه‌لکی نا‌رازی، سه‌رکو‌تکردن و تۆقاندن، له‌سێداره‌دان و کوشتنی نه‌یارانی سیاسی و خۆپێشاندنه‌رانی زیندانی له‌ سه‌رانه‌سهری شاره‌کانی ئێراندا. له‌ولاشه‌وه‌ ئۆپۆزیسیۆنی‌پراسته‌رو رژیمی ئیسلامی و سه‌لته‌نه‌تخاوه‌کان و لایه‌نگرانی شه‌ری ئەمریکا و ئیسرائیل، که‌ ئومێدیان به‌ موشه‌که‌کانی ئەمریکا و ئیسرائیه‌وه‌ گرتاوه‌ بۆئه‌وه‌ی سوچیکی ده‌سه‌لاتی دوا‌ی نه‌مانی رژیمی ئیسلامی ئێرانیان بکه‌وته‌ده‌ست، له‌و ده‌نگه‌ پێشکه‌وتنه‌خوازو سۆشیالیست و مرۆفدۆستانه‌یه‌ نا‌ره‌حه‌تن که‌ دژی ئهم جه‌نگه‌ وێرانکه‌ره‌ ده‌وه‌ستێته‌وه‌ و خوازیاری کۆتایی پێهێنانیه‌تی! هاورێ عه‌لی جه‌وادی به‌هۆجۆره‌ له‌هه‌ردوو لایه‌ن‌پێژی ئیسلامی ئێران و ئۆپۆزیسیۆنی‌پراسته‌رو و به‌تایبه‌تی سه‌لته‌نه‌تخاوه‌کانه‌وه‌ ئه‌گه‌ری به‌ ئەمانجگرتنی هه‌بووه

ئێمه‌ له‌ حیزبی کۆمۆنیستی کریکاری کوردستان به‌توندی ئیدانه‌ی ئهم هه‌وله‌ تیرۆریسته‌یه شکسته‌خواردوووه‌ ده‌که‌ین و ده‌نگمان ده‌خه‌ینه‌ پال ده‌نگی ئازادیه‌خوازان و مرۆفدۆستان و کۆمۆنیسته‌کان دژ به‌م کرده‌وه‌ تیرۆریسته‌یه‌ دژی هاورێ عه‌لی جه‌وادی.

۱۵/۴/۲۰۲۶

حیزبی کۆمۆنیستی کریکاری کوردستان

حیزبی کۆمۆنیستی کریکاری کوردستان

عه‌لی جه‌وادی سه‌رکۆنه‌ ده‌که‌ین!

سوءقصد به علی جوادی توطئه جبنانه ضد کمونیستی

آذر ماجدی

خبر سوءقصد به جان علی جوادی، کمونیست مبارز و سرشناس، قلب هر انسان با وجدان و شرفی را با خشم و نفرت انباشته می کند؛ خشم و نفرت از این فاشیست های تروریست آدمکش که در روز روشن و با وقاحت برای حذف فیزیکی مخالفین خویش اقدام می کنند. امیدوارم حال وی هر چه سریعتر بهبود یابد و بتواند فعالیت های مهم و موثر خود را پی گیرد. با خانواده علی جوادی ابراز همدردی می کنم که چنین شوک و هراسی را متحمل شدند.

در این شرایط خطر که دنیا بر لبه پرتگاهی عمیق قرار گرفته؛ جامعه ایران در شرف نابودی کامل قرار دارد؛ مردم ایران و منطقه زیر بمب ها، تانک ها و موشک های اسرائیل و آمریکا با دخالت فعال دولت های غرب جانشان تکه تکه می شود؛ در شرایطی که جمهوری اسلامی که به مرگ گرفته شده مشته هایش را دور گردن مردم فشرده تر می کند؛ فاشیسم و تروریسم عریان و لمپنیسم نه فقط در میان اپوزیسیون دست راستی و رژیم حاکم بر ایران، بلکه بر تمام جهان حاکم شده است. ماسک ها دریده شده و هفت تیرها از رو بسته شده است.

رژیم حاکم و اپوزیسیون دست راستی اش سر و ته یک کرباسند؛ هر دو نطفه نامشروع یک نظام اند. هر یک از آنها می تواند عامل این سوءقصد باشد. بقول معروف هر دو در این جنایت ذینفع اند و نه تنها بارها علنا تهدید کرده اند، بلکه در عمل ماهیت شان را به اثبات رسانده اند. جمهوری اسلامی تکلیفش روشن است. اگر دستش رسیده بود در کشتار دهه شصت او را اعدام کرده بود. اما علی جوادی فقط یک دشمن نداشت. جریان فاشیست دست راستی طرفدار جنگ آمریکایی/اسرائیلی، سلطنت طلب های لات و لمپن شعبان بی مخی خود را بشدت تحت فشار تبلیغات و آگاهگری های موثر علی جوادی می بینند؛ حذف دشمن تنها راهیست که این جماعت می شناسد.

مسخره است، صبح تا شب ادعا می کنند "کمونیست هیچی نیست"، "کمونیست مُرد" و "کمونیست متعلق به تاریخ است"، اما "کمونیست نمانده" را می خواهند از روی کره ارض حذف کنند. می دانند که آوای کمونیسم دلنواز است، بر دلها می نشیند، چون از آزادی، برابری، رفاه، همبستگی انسانی و یک دنیای پر از مهر و شفقت و انساندوست سخن می گوید. صدای کمونیسم همانقدر که برای انسان با وجدان و عدالتخواه دلنواز است، برای این فاشیست های از گور برخاسته، دلخراش.

امیدواریم که تحقیقات لازم برای پیدا کردن ضارب تروریست انجام گیرد. این نقشه پلید جنایتکارانه باید افشاء و محکوم شود. با امید بهبود سریع برای رفیق علی جوادی و با امید عقب نشاندن این فاشیست های آدمکش و امید خاتمه جنگ خانمان برانداز و خونین در ایران، لبنان، فلسطین و کل دنیا.

15 آوریل 2026

طبق اطلاعات امروز حزب کمونیست کارگری ایران. حکمتیست، روز یکشنبه ۱۲ آوریل، رفیق علی جوادی از رهبران شناخته شده جنبش کمونیستی و عضو کمیته مرکزی این حزب در محل سکونت خود در آمریکا به وسیله اتومبیل مورد حمله تروریستی گرفته است. در اثر برخورد اتومبیل سوءقصدکنندگان به رفیق علی، او به پیاده رو پرتاب میشود و در نتیجه اقدام آن ها ناکام می ماند. اما در اثر این حمله تروریستی رفیق علی جوادی صدماتی می بیند و خوشبختانه جدی نیستند.

هنوز هویت حمله کنندگان معلوم نیست و پلیس تحقیقات خود را برای شناسائی عاملین آن شروع کرده است. علی جوادی بخاطر کمونیست بودن و فعالیت سیاسیش بارها توسط عوامل امنیتی رژیم اسلامی و همچنین توسط جریان دست راستی فاشیست تهدید شده است.

ما ضمن آرزوی بهبودی و سلامتی برای رفیق علی جوادی این اقدام تروریستی را قویا محکوم می کنیم.

این رویداد زنگ خطری است برای همه ما جریانات چپ و کمونیست و اپوزیسیون جمهوری اسلامی و باید هوشیاری خود را برای خنثی کردن اقدامات تروریستی رژیم اسلامی بالا ببریم.

مبارزان کمونیست

۲۵ فروردین ۱۴۰۵ - ۱۴ آوریل ۲۰۲۶

The news of the terrorist attack on Ali Javadi—one of the prominent socialist voices opposing both the Islamic Republic and rise of far-right authoritarianism in Iran and abroad is deeply alarming. It not only raises serious concerns about his personal safety, but also points to a broader and troubling pattern that threatens critical opponents of authoritarianism, the apparent expansion of the Islamic Republic's reach beyond its borders, with its networks and sympathisers operating abroad under a variety of disguises. Such incidents underscore the growing risks faced by political dissidents in exile and highlight the urgent need for vigilance within the Iranian political community. When acts of intimidation or violence occur outside the country, they signal not just isolated aggression, but a deliberate attempt to silence opposition voices and extend repression beyond the borders.

This attack must be unequivocally and forcefully condemned. It is imperative that all opposition organisations, political groups, and advocates of democratic values speak out clearly against this cowardly act, as well as against any form of terrorist or coercive activity carried out beyond Iran's borders. Silence or ambiguity in the face of such actions only enables their perseverance.

We express our solidarity with Ali Javadi during this difficult time and sincerely wish him a full and swift recovery, along with continued strength and safety.

Fariborz Pooya

در محکومیت سوء قصد ترور علیه علی جوادی

مایه خشنودیست رفیق علی جوادی از چهرهای شناخته شده جنبش سوسیالیستی و رهبری حزب کمونیسم کارگری-حکمتیست، کما اینکه در اطلاعیه آنها ذکر گردیده از سوء قصد تروریستی ۱۲ آپریل ۲۰۲۶ جان سالم به در برده است! اینکه رفیق جوادی در محوطه خانه با ماشین مورد تعقیب و هجوم قرار گرفته، نشان میدهد تیم ترور طبق طرح از پیش برنامه ریزی شده مکان زندگی و حتی زمان رفت و آمد ایشان را مدتها زیر نظر داشته است. خصوصاً اینکه قبلاً هم بارها مورد تهدید قرار گرفته است نمی تواند امری تصادفی باشد. هر چند رفیق جوادی در این سوء قصد تروریستی آسیب جدی ندیده است اما این هشدار بسیار جدی و نگران کننده است. رژیم ایران بحکم اینکه بندگان آن از روز اول بر سر کار آمدن به کشتار و اعدام و ترور مخالفان بسته بوده، همیشه رتبه درجه اول متهم به ترورهای داخل و خارج از کشور را بخود اختصاص داده است، هر چند سایر گرایشهای راست و فاشیستی هم از ترور و حذف فیزیکی مبرا نیستند. خصوصاً میدانیم وحشت رژیم ننگین ایران در حین حتی جنگ ارتجاعی از عروج مبارزه و قهر انقلابی از پائین به رهبری طبقه کارگر و کمونیستها و آزادیخواهان بوده و هست، و به این اعتبار حتی طی این چهل روز نیز ماشین کشتار و اعدامش در داخل و تیم ترورش در خارج تا به امروز فعال و متوقف نشده است. طرح ترور خواه بفرجام رسد یا ناکام بماند، تهدید تنها علیه یک شخص و اینجا فعال سرشناس سوسیالیست علی جوادی نیست، بلکه وجود این فضا حس امنیت را از هر انسان سوسیالیست و آزادیخواه و برابری طلبی در این کشورها می گیرد. بویژه در این فضای جنگی که دولتها دست باندهای ترور و دستجات فاشیستی راست را برای سرکوب و حذف فیزیکی مخالفانشان بیش از پیش باز گذاشته، باید سوسیالیستها و صف آزادیخواهی و برابری طلبی از همیشه بیشتر هوشیار و مراقب حفظ امنیت خویش باشند.

ناصر بابامیری ۱۴.۰۴.۲۰۲۶

علی جوادی در تاریخ ۱۲ مارس ۲۰۲۶ هدف یک سوء قصد قرار گرفت، اما جان سالم به در برد.

علی جوادی کمونیستی پیگیر و شناخته شده است که از زمان انقلاب تاکنون علیه جمهوری اسلامی مبارزه کرده است. او از دیرباز یکی از صداهای برجسته و صریح در نقد تهاجم نظامی ایالات متحده-از جمله جنگ علیه عراق-و پروژه های جنگی غرب، اقدامات اسرائیل در غزه، تروریسم اسلامی در داخل و خارج ایران، و نیز تمامی نیروهای ارتجاعی و جریان های راست افراطی در منطقه و جهان بوده است. او در نوشته ها، سخنرانی ها و مصاحبه های خود در پادکست ها و برنامه های تلویزیونی، به طور مستمر به افشای سازوکارهای قدرت و جنگ در منطقه پرداخته است.

او بارها تأکید کرده است که تشدید تقابل میان ایالات متحده و اسرائیل با ایران می تواند به بستری برای رشد گرایش های راست افراطی و فاشیستی بدل شود و زمینه ساز شکل گیری «سناریوی سیاه» گردد. همچنین هشدار داده است که چنین شرایطی به نیروهای راست افراطی-گاه با حمایت های خارجی-امکان می دهد تا جنبش سلطنت طلبانه را تقویت کرده، از جمله چهره هایی مانند رضا پهلوی، را مطرح و تبلیغ کنند.

علی جوادی همچنین تأکید کرده است که تهاجم آمریکا و اسرائیل، در کنار سیاست های جمهوری اسلامی ایران، می تواند این کشور را به کانونی از مرگ، فقر و بی خانمانی تبدیل کند.

سوء قصد به جان علی جوادی نباید به عنوان رویدادی منفرد تلقی شود؛ بلکه بازتاب الگوی گسترده تر از هدف قرار دادن فعالان جنبش های مترقی است-کسانی که علیه جنگ، اشغال، امپریالیسم، نسل کشی و سرکوب مبارزه می کنند و برای آزادی، برابری و عدالت اجتماعی تلاش دارند. این گونه اقدامات ریشه در ساختارهای قدرتی دارد که برای حفظ سلطه خود در پی خاموش کردن صداهای مخالف هستند.

زندگی علی جوادی همچنان در معرض خطر است. این سوء قصد می تواند هم از سوی جمهوری اسلامی ایران و هم از جانب نیروهای راست افراطی سلطنت طلب سازماندهی شده باشد. عاملان این حمله و هرگونه همدستان آنان باید شناسایی، بازداشت و محاکمه شوند.

هما ارجمند

۱۵ مارس ۲۰۲۶

به حزب کمونیست

کارگری-حکمتیست کمک مالی کنید!

هشدار در باره یک روند ارتجاعی،

ترامپ و نتانیاهو

دوست مردم ایران نیستند!

اظهارات ترامپ و نتانیاهو و هواداران جنگ، تنها به خامنه ای و بقای نظام خدمت میکنند. در وضعیت کنونی هیچ چیز مثل وقوع یک جنگ به نفع جمهوری اسلامی نیست، نه بدلیل اینکه توان جنگیدن دارد یا یک نیروی حامی که بتواند روی آن حساب کند، بلکه بدلیل قیچی کردن همین اعتراضات و میدان دادن به کنیف ترین پروژه های سیاسی و عناصر اپورتونیست و دست راستی که در این فضا جانی ابراز وجود می یابند.

آماده سازی افکار برای "حمله بشردوستانه" و "نجات مردم از قتل عام"، تکرار دقیق سناریوی لیبی است. امری که به جمهوری اسلامی توجیهی برای یک کشتار تمام عیار "علیه دشمنان خارجی و عوامل آن" میدهد. مردم در صورت جنگ در صحنه نمی مانند، و آنها که می مانند، اقل "رهائی" خود را به اقل پیروزی جنگ طلبان گره میزنند. چنین وضعیتی یک موج برگشت ارتجاعی و علیه آمل و آرزوهای شریف مردمی است که برای رهائی از اوضاع مشقت بار کنونی بیاخته اند.

جمهوری اسلامی باید با قدرت انقلابی کارگران و توده های مردم آزادیخواه سرنگون شود. ترامپ و نتانیاهو دوست مردم ایران نیستند، سیاست آنها از تحریم تا جنگ در خدمت بقای نظم موجود و اعاده وضع موجود است. سیاست آنها مصادره مبارزات و جانفشانی مردم به نفع اهداف ارتجاعی خویش است. دخالت فاشیستها در سیاست ایران موقوف!

فقر، فساد، گرونی، میریم تا سرنگونی!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran - Hekmatist



پسند- متهم به تروریست بودن کند. این پاسخ کوتاه عجالتاً می توانست قانع کننده باشد یا نباشد اما هژیر پلاسچی در ادامه آشکارا نشان می دهد در صدد القای چیز دیگری است. جایی که اکثریت قریب به اتفاق کمونیست ها پس از این واقعه گریبان تروریست ها و عناصر فاشیست دست راستی را گرفته اند ایشان عزم جزم کرده اند برای تخریب حزب حکمتیست.

او می نویسد سازمان اکثریت هم در دوره شصت وقتی از طرف چماقداران جمهوری اسلامی مورد هجوم واقع شد انگشت اتهام را عامدانه به سوی عناصر ساواک و مزدوران آمریکا نشانه گرفت تا سرپرستی خود را به حکومت اسلامی پنهان نماید. هژیر ادامه می دهد حزب حکمتیست نیز -انشالله سهون- انگشت اتهام را به سوی حکومت اسلامی نشانه رفته است تا حواس جامعه را از عوامل اصلی پرت کند. به زبان ساده تر فرضیه هژیر پلاسچی این است که حزب حکمتیست علیرغم مورد هجوم واقع شدن از جانب سلطنت طلبان اما آدرس غلط می دهد تا همسویی اش با آنها و از آنجا با موساد را پنهان نماید.

تشابه عمل حزب حکمتیست و سازمان اکثریت!! این مصداق بارز کثیف ترین شیوه ها منتج از کثیف ترین افکار است. اگر رفیق علی جوادی همواره در معرض تهدید تروریست های اسلامی داخل و فاشیست های پهلوی چی خارج از کشور قرار داشته همانا به خاطر مبارزه بی امان وی با این جریانات بوده و او یکی از رهبران طراز اول حزب حکمتیست است. هژیر پلاسچی به مثابه یک چپ سلطنت ستیز یک هزارم علی جوادی به مثابه یک کمونیست کارگری مطلب و مقاله و سخنرانی علیه سلطنت ندارد پس چگونه می تواند علی جوادی و حزب حکمتیست را به همنوایی پنهان با سلطنت طلبان متهم نماید. برای هژیر پلاسچی اگر مغرض نباشد کوهی از افشاگری های بی امان علی جوادی در مقام کادر رهبری حزب حکمتیست وجود دارد تا هرگز به مخیله اش چنین خزعبلاتی خطور نکند!!

وانگهی این چه منطقی است که رفقای کمونیست از جمله علی جوادی دیگر خطری برای حکومت اسلامی ندارند؟ نکند هژیر پلاسچی رگ اصلاح طلبی اش دوباره عود کرده یا دُز ضد کمونیست کارگری اش غلیظ تر شده که چنین استدلالاتی بر زبان می آورد!

کلام آخر اینکه؛ حزب حکمتیست چنان که پیشتر ذکر شد مطنون اصلی هر اقدام تروریستی را در درجه نخست حکومت اسلامی و سپس عناصر دست راستی و فالانژ می داند مگر آنکه با سند و دلیل و مدرک، خلاف آن روشن گردد. ۱۷ آوریل ۲۰۲۶

هژیر پلاسچی و قضیه ترور کمونیست ها

جاوید حکیمی

هیچ چیز بدیهی تر و طبیعی تر از این نیست که یک حزب سیاسی نسبت به سؤ قصد به یکی از رهبران طراز اول خود و اساساً نسبت به ترور هر انسانی صرفاً به جرم ابراز عقیده واکنش نشان دهد و آن را قاطعانه محکوم نماید. خبر سؤ قصد خوشبختانه نافرجام علی جوادی از رهبران حزب حکمتیست و چهره شناخته شده جنبش کمونیستی به حق خشم اکثریت قریب به اتفاق احزاب، سازمان ها، کمونیست های مستقل و حتی افراد غیر کمونیست ها را برانگیخت. حزب حکمتیست به عنوان یک حزب سیاسی جدی و آگاه به موازین سیاسی و حقوقی در درجه نخست انگشت اتهام را به سوی حکومت اسلامی و سپس عناصر و جریانات راست و فاشیست نشانه رفت. سایر احزاب و افراد چپ و کمونیست و غیر کمونیست نیز به درست همین موضع را اتخاذ کردند.

هژیر پلاسچی اما در این میان، احزاب و تشکل هایی از جمله شورای همکاری نیروهای چپ کمونیست را که به گفته او ساز خود را با حزب حکمتیست کوک کرده بودند مورد نکوهش قرار داده و خود ساز دیگری نواخته است. هژیر می نویسد حزب حکمتیست حق دارد و جای هیچگونه اعتراضی نیست که از این واقعه یعنی ترور رهبران خود بزرگوار و عدم اعتراض به این «حق» کمال امتنان را داریم اما در عین حال خاطر نشان می کنیم پشت چنین استدلال و چنین تفکراتی، سبک و منش ضد انسانی بورژوازی نهفته است. مطابق استدلال هژیر پلاسچی اگر رفیق علی جوادی کشته می شد دامنه استفاده تبلیغاتی حزب بسی فراختر می گردید و لابد چه خوب! هژیر پلاسچی روشن نمی کند حزب حکمتیست چگونه می توانست هم ترور را محکوم کند و هم از شائبه استفاده ابزاری و تبلیغاتی مبری باشد.

و اما بعد؛

ظاهراً هژیر پلاسچی به جای محکوم کردن ترور، رسالت خنثی کردن این «تبلیغات حزبی» را به عهده گرفته است و آن هم با بورژوازی ترین استدلالات و کثیف ترین شیوه ها؛ آری می گوئیم و تاکید می کنیم کثیف ترین شیوه ها چرا که هژیر پلاسچی از کثیف ترین سازمان چپ تاریخ ایران یعنی فدایی شاخه اکثریت برای انتقاد به حزب حکمتیست مثال می آورد.

اس و اساس انتقاد هژیر پلاسچی این است که چرا حزب حکمتیست آدرس نادرست داده و انگشت اتهام را در درجه اول متوجه حکومت اسلامی ساخته و نه صراحتاً سلطنت طلبان و پهلوی چی ها. تا اینجا او یک انتقاد ساده و ظاهراً دوستانه کرده که می تواند پاسخ منطقی و دوستانه هم بگیرد؛ مثلاً اینکه یک حزب سیاسی جدی نمی تواند هیچ جریان اپوزیسیونی را بی سند و مدرک محکمه پسند- و نه هژیر و عامه

کارگران جهان متحد شوید!



۴. جبهه جنگ یا کمپ پناهندگی؟

تفکیک تروریسم از بهانه‌های جنگی

رفیق اسد گلچینی به طور عجیبی، از کردستان عراق به عنوان «جبهه فعال جنگ» یاد می‌کند تا آگاهانه یا ناآگاهانه، به حملات رژیم وجاهت «دفاعی» ببخشد. واقعیت زمخت این است که نه از سوی این احزاب، نه از داخل این اردوگاه‌ها و نه حتی از جانب نیروهای امنیتی اقلیم کردستان، حتی یک فشنگ به سمت جمهوری اسلامی شلیک نشده است.

ما باید با قاطعیت تمام، بهانه کوبیدن این اردوگاه‌ها را از معادلات جنگ کنونی جدا کنیم. ادعای «منطقه جنگی» دانستن محل زیست خانواده‌ها و فعالین سیاسی، پذیرش ضمنی منطق تروریستی رژیم است. جمهوری اسلامی سال‌هاست که هرگاه پهلاد یا موشک جدیدی می‌سازد، آن را بر سر ساکنان بی‌دفاع این مقرات آزمایش می‌کند؛ چه آن زمان که «جنگ قدرت‌ها» در کار بود و چه زمانی که نبود. این اقدامات، تداوم همان سیاست حذف فیزیکی مخالفان است که دهه‌ها پیش از درگیری‌های اخیر آغاز شده و به آن مربوط نیست. گره زدن این جنایت به تحرکات نظامی منطقه‌ای، تنها به سود دستگاه تبلیغاتی رژیم است تا تروریسم عریان خود را تحت عنوان «عملیات جنگی» علیه «دشمن خارجی» به خورد افکار عمومی بدهد. ما این منطق امنیت‌زده را که می‌کوشد ترور یک زن جوان را به عنوان بخشی از یک «ضرورت جنگی» توجیه کند، به شدت رد می‌کنیم.

۵. مسئولیت ترور بر عهده تروریست است

اینکه جریان‌ات راست چه نقشه و برنامه‌ای برای آینده دارند، در جای خود مورد نقد بیرحمانه ماست. اما مسئول جان غزال مولان و امنیت ساکنان آن مناطق، مستقیماً و منحصرأ بر عهده رژیمی است که ماشه را چکانده است. تلاش برای تسهیم مسئولیت میان «مقتول» و «قاتل»، نتیجه‌ای جز تطهیر ماشین کشتار رژیم ندارد.

سیاست حزب حکمتیست، دوزیستی نیست؛ بلکه ایستادن بر روی دو پای مستحکم «کمونیسم کارگری» است: نقد قاطع قطب‌های ارتجاعی و دفاع بی‌لکنت از حرمت و حیات انسان‌ها. ما هم‌چنان که علیه پیاده‌نظام شدن جریان‌ات راست برای غرب می‌ایستیم، اجازه نخواهیم داد که تروریسم رژیم تحت هیچ بهانه‌ای (حتی بهانه جنگ با امپریالیسم) توجیه شود.

۲۹ فروردین ۱۴۰۵ / ۱۸ آوریل ۲۰۲۶

لینک نوشته رفیق اسد گلچینی:

<https://www.facebook.com/share/p/18bR4HEzXf/>

لینک اطلاعیه کمیته کردستان حزب حکمتیست:

<https://www.facebook.com/share/p/1G3jHzmMtq/>

پاسخ به نقد رفیق اسد گلچینی:

«سیاست انقلابی» در برابر «منطق توجیه ترور»

جلیل رضایی

رفیق اسد گلچینی در نقد خود به اطلاعیه کمیته کردستان حزب حکمتیست، مسیری را رفته است که در نهایت به سلب مسئولیت از تروریسم دولتی جمهوری اسلامی ختم می‌شود. ایشان با گره زدن موشک‌باران اردوگاه‌ها به تحرکات نظامی اخیر در منطقه، آدرس غلطی به خواننده می‌دهد که لازم است به چند نکته اساسی در پاسخ به ایشان اشاره کنم:

۱. استقلال طبقاتی و جایگاه «طرف سوم»

حزب ما در تمامی سال‌های گذشته و به‌ویژه در کوران درگیری‌های اخیر منطقه (از غزه تا تقابل ایران و اسرائیل-آمریکا)، با شفافیت تمام به عنوان «طرف سوم» عمل کرده است. ما در ده‌ها اطلاعیه و برنامه تلویزیونی، هم میلیتاریسم آمریکا و اسرائیل را کوبیده‌ایم و هم ماجراجویی‌های ارتجاعی جمهوری اسلامی را.

نقد ما به جریان‌ات راست و خطر «پیاده‌نظام شدن» آن‌ها برای قطب‌های امپریالیستی، داستانی نیست که امروز شروع شده باشد؛ ما پیش از همه نسبت به عواقب این بندوبست‌ها هشدار داده بودیم. اما رفیق اسد گویا تصور می‌کند برای اثبات مخالفت با راست، باید در برابر جنایات رژیم سکوت کرد یا برای آن «منطق جنگی» تراشید!

۲. خلط مبحث میان «نقد سیاسی» و «محکومیت جنایت»

اطلاعیه مورد بحث، یک مانیفست جامع سیاسی در نقد جریان‌ات ناسیونالیست نبود، بلکه واکنشی فوری به موشک‌باران یک کمپ و جان‌باختن یک دختر ۲۰ ساله (غزال مولان) بود. وظیفه یک حزب کمونیستی در لحظه جنایت، اعلام انزجار از عامل جنایت است. رفیق اسد گلچینی انتظار دارد ما در کنار پیکر یک قربانی ترور، بیانیه‌ای در نقد سیاست‌های تشکیلاتی سازمان او صادر کنیم! این نه سیاست است و نه اخلاق انقلابی؛ این نوعی «فرصت‌طلبی معکوس» است که چشمانش را بر خون ریخته شده می‌بندد تا به تسویه حساب‌های سیاسی بپردازد.

۳. تاریخچه تروریسم دولتی و فرضیه غلط اسد گلچینی

بزرگترین خطای تحلیل اسد گلچینی اینجاست که این حملات را محصول تحرکات چند هفته اخیر می‌داند. رفیق اسد، گویا فراموش کرده‌اید که جمهوری اسلامی از دهه‌ها پیش، از زمانی که حتی پهلاد و موشک‌های دوربرد نداشت، ترور و بمب‌گذاری در اردوگاه‌های کردستان عراق را پیش می‌برد. رژیم تمام تسلیحات جدید خود را طی سالیان گذشته بر سر همین اردوگاه‌ها آزمایش کرده است؛ چه آن زمان که جنگی در منطقه نبود و چه امروز. گره زدن این جنایات مستمر به «بندوبست‌های اخیر»، عملاً بخشیدن اعتبار و بهانه به دستگاه امنیتی رژیم برای مشروع جلوه دادن ترورهایش است.

اطلاعیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران-حکمتیست

در محکومیت حملات تروریستی جمهوری اسلامی به اقلیم کردستان و جانباختن غزال مولایی

بار دیگر چنگال خونین جمهوری اسلامی، امنیت و حیات ساکنان اقلیم کردستان را هدف قرار داد. شامگاه ۱۴ آوریل ۲۰۲۶، مناطق «سورداش»، «خلیفان» و «کویه» آماج حملات پهلادی و موشکی قرار گرفتند که در نتیجه این جنایت، غزال مولایی، پیشمرگ ۲۰ ساله کومله زحمتکش در کمپ سورداش مجروح شده بود، متأسفانه جان باخت.

این حملات وحشیانه و موشکبارانهای مکرر، تداوم همان سیاست شکنجه، زندان و قتل عام خیابانی است که این رژیم در ۴۷ سال عمر ننگین خود علیه بشریت به کار گرفته است. جمهوری اسلامی که در داخل مرزها با خشم و اعتراض توده‌های جان به لب آمده روبروست، می‌کوشد با ترور اپوزیسیون و ناامن کردن کردستان عراق، بر بحران‌های مرگبار خود سرپوش بگذارد.

ما ضمن محکومیت شدید این جنایت اعلام می‌کنیم:
• هدف گرفتن کمپ‌های پناهندگان و مقرات

احزاب سیاسی، نقض آشکار ابتدایی‌ترین موازین انسانی و بین‌المللی است.

• ما عمیق‌ترین مراتب تسلیت و همدردی خود را به خانواده غزال مولایی و رفقای ایشان ابراز می‌داریم.

• از تمامی انسان‌های شریف، نهادهای مدافع حقوق بشر و سازمان‌های آزادی‌خواه در سراسر جهان توقع داریم که در برابر این جنایات سکوت نکرده و صدای اعتراض خود را علیه تروریسم دولتی ایران طنین‌انداز کنند.

رژیم چهل و سرمایه باید بداند که با ریختن خون جوانانی چون غزال، تنها شعله خشم مردم را برافروخته‌تر می‌کند. امنیت و آزادی در کردستان و کل منطقه، در گرو سرنگونی انقلابی این ماشین کشتار است.

سرنگون باد رژیم ترور و جنایت جمهوری اسلامی!
کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران-
حکمتیست
۱۵ آوریل ۲۰۲۶

جهان بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم، بدون «خطر» سوسیالیسم، به چه منجلابی تبدیل میشود!

منصور حکمت

آدرسهای تماس با

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی حزب

وریا روشنفکر

daftaremarkzy@gmail.comvoryaroushanfekr@gmail.com

رئیس دفتر سیاسی

رحمان حسین زاده

hosienzade.r@gmail.com

دبیر اجرایی

سعید یگانه

saidwahedi25@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی

ناصر مرادی

moradi.naser@gmail.com

دبیر کمیته سازمانده

سیاوش دانشور

Siavash_d@yahoo.com

دبیر کمیته کردستان

صالح سرداری

sale.sardari@gmail.com

دبیر تشکیلات خارج

سعید آرمان

saeed_arman2002@yahoo.co.uk

دبیر کمیته تبلیغ

اسماعیل ویسی

esmail.waisi@gmail.com

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سر دبیر: سیاوش دانشور

Siavash_d@yahoo.com

هفتگی کمونیست

هیئت تحریریه: پروین کابلی، سیوان کریمی، ملکه عزتی، رحمان حسین زاده، علی جوادی، سیاوش

دانشور، ناصر مرادی، وریا روشنفکر، امیر عسکری.

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

سر دبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. کمونیست هفتگی تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. آخرین مهلت دریافت مطلب برای انتشار تا عصر روز پنجشنبه است. کمونیست شنبه ها منتشر میشود.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

 @hekmatist Hekmatist.org @hekmatist1917 @hekmatist pary

partow TV

 @patowtv Thepartow TV @PartowTV @PartowTVحزب حکمتیست در صفحات
اجتماعی

زنده باد سوسیالیسم!